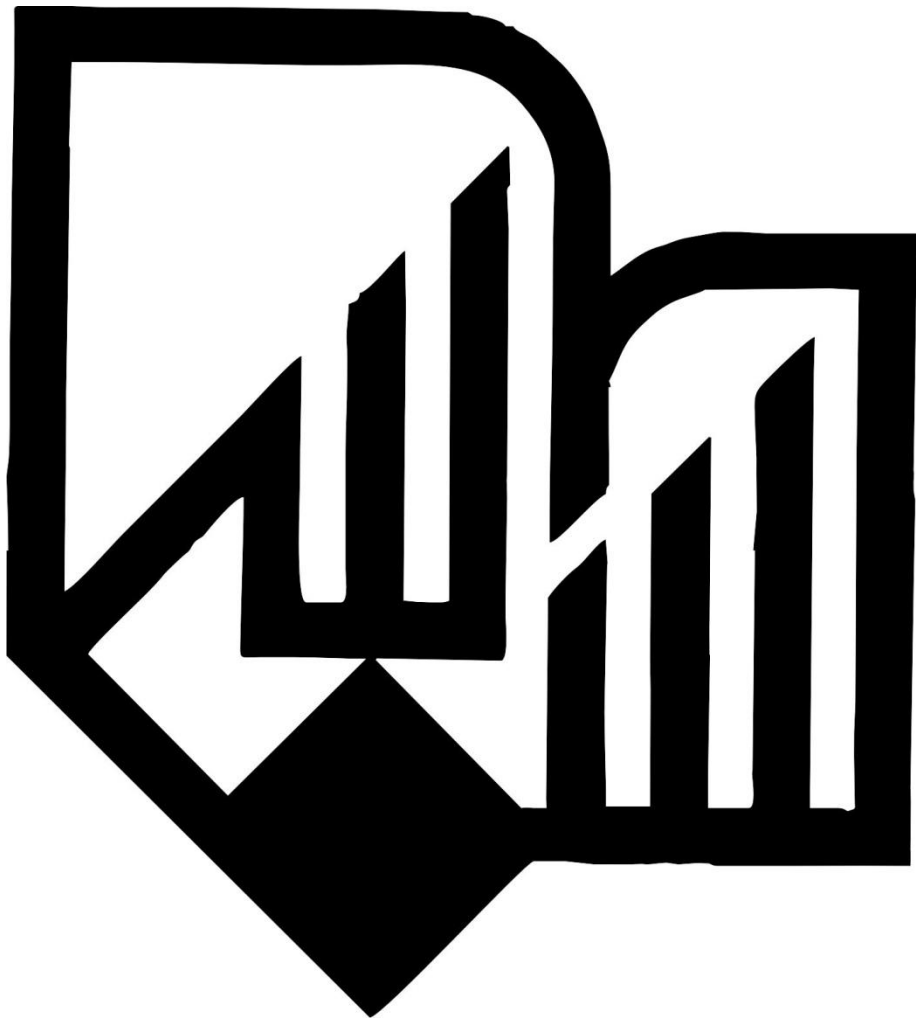


معماری

شاخص های انتخاب اصلح

دوست شناسی، دشمن شناسی، جریان شناسی
و تحلیل مسائل سیاسی جزو معرفت دینی است.

امام خامنه ای (مدله العالی)



فهرست

- بخش اول: مبانی، اهداف، آرمان ها و وظایف ما در جمهوری اسلامی ۵
- بخش دوم: معیار های کلی یک کاندیدای اصلح برای ریاست جمهوری ۹
- مستضعفین بیشتر باید مورد توجه مسئولان باشند ۹
- اصلح یعنی کسی که برای ریشه کنی فقر و فساد عزم جدی داشته باشد ۹
- مردم از دعوای سیاسی و من خوبم و تو بدی خسته اند / به مستضعفین توجه شود ۹
- رییس جمهور دور از فساد ، اسراف، اشرافی گری و تجمل باشد ۹
- مردم به دنبال رییس جمهور توانا، شاداب و با احساس مسئولیت باشند ۱۰
- رییس جمهور باید با اخلاص، با نشاط، شاداب، شجاع، مردمی و انقلابی باشد ۱۰
- به کسی گرایش پیدا کنید که به دین و دنیای مردم اهمیت می دهد ۱۰
- رییس جمهور توانایی کار اجرایی داشته و دلبسته نظام و قانون اساسی باشد ۱۰
- بخش سوم: آنچه که برای رییس جمهور آینده نیاز داریم ۱۱
- الف) ویژگی های شخصیتی رئیس جمهور ۱۱
- ب) ویژگی های دولت نهم و دهم ۱۳
- ۱- ویژگی های اصلی و انقلابی دولت ۱۳
- ۲- دولت و منشور کارآمدی ۱۴
- ۳- سیاست های خارجی دولت ۱۶
- ۴- ویژگی های مردمی بودن دولت ۱۷
- ج) انتظارات و توصیه ها به دولت ۱۹
- ۱- دولت و توجه به سیاست های اصلی نظام ۱۹
- ۲- دولت و مسایل فرهنگی ۲۱
- ۳- دولت و مسایل مدیریتی ۲۲
- ۴- دولت و مسایل اقتصادی ۲۵
- ۵- دولت و مسایل سیاسی ۲۸
- ۶- دولت و توصیه های اخلاقی ۲۹
- ۷- دولت و دانش و نخبگان ۳۰
- ۸- دولت و مردم ۳۱
- د) نکات منفی و سلبی ۳۳
- غلیظ کردن ادبیات دینی بدون تناسب داشتن با رفتار ۳۳
- غرور نداشتن ۳۳
- دنیا طلب نبودن ۳۳
- سطحی نگری نداشتن در امور فرهنگی ۳۳

- ۳۳.....رفع مظلومیت از حوزه فرهنگ.....
- ۳۳.....دقت در جذب و صرف بودجه های فرهنگی.....
- ۳۳.....توقعات مردم را بالا نگه ندارید با وعده های بدون ضمانت اجرایی.....
- ۳۴.....بهانه به دست دیگران ندهید.....
- ۳۴.....عدم موازی کاری در دولت.....
- ۳۴.....عدم مشورت بانخبگان.....
- ۳۴.....واردات بی رویه.....
- ۳۴.....دچار حاشیه سازی نشوید.....
- ۳۴.....کنترل نقدینگی بازار.....
- ۳۴.....عدم تحقق وعده ها به مردم.....

مبانی، اهداف، آرمان ها و وظایف ما در جمهوری اسلامی^۱

به طور کلی وظایفی برعهده ماست؛ هم ما به عنوان دولت و حکومت، هم ما به عنوان یک فرد مسلمان. اما این وظایف یک مبنای فکری دارد. خصوصیت تفکر اسلامی و مکتب اسلامی و دینی این است. اگر از این بحث می‌کنیم که باید آزادی باشد، یا انتخاب و اختیار در جامعه برای مردم وجود داشته باشد، یا هر یک از سیاستهای عمومی و کلی را مورد بحث قرار می‌دهیم، برای هر کدام از اینها مبنایی وجود دارد. اگر از ما بپرسند چرا مردم باید حق رأی داشته باشند، یک استدلال فکری و منطقی پشت سرش وجود دارد؛ معلوم است چرا. همه آنچه که در زمینه برنامه‌ریزیها، خطوط اصلی برنامه‌ها را تشکیل می‌دهد، یک سر این برنامه‌های اصلی وصل است به آبخشور اندیشه اسلامی، جهان بینی اسلامی، تلقی و برداشت اسلامی؛ که این ایمان ماست، اعتقاد ماست، دین ماست؛ براساس آن برداشت و آن تلقی است که وظایف خودمان را مشخص می‌کنیم و می‌خواهیم به آنها عمل کنیم. آن مبنای فکری چیست؟ به طور کوتاه و خلاصه از این جا باید شروع کنیم و ببینیم که آن خطوط اصلی تلقی و بینش اسلام از کائنات، از عالم و از انسان چیست. البته این مخصوص اسلام هم نیست. همه ادیان - اگر تحریف نشده باشند - در مبنای صحیح و ریشه اصلی خودشان همین بینش را دارند. اسلام سالم و دست نخورده و متکی به منابع متقن، در اختیار ماست. بقیه ادیان ممکن است این خصوصیات را نداشته باشند.

آن مجموعه معارفی که خطوط اصلی عملکرد و وظایف ما از آنها به دست می‌آید - یعنی جهان بینی و بینش اسلامی - فصول متعددی دارد؛ همه هم در عمل و اقدام فرد و دولت دارای تأثیر است؛ که من پنج نقطه مؤثرتر و مهمتر را انتخاب کرده‌ام و عرض می‌کنم.

از این پنج نقطه، یکی توحید است. توحید، یعنی اعتقاد به این که این ترکیب پیچیده بسیار عجیب و شگفت‌آور و قانونمند کائنات و عالم آفرینش، از کهکشانها و سحابیها و حفره‌های عظیم آسمانی و کرات بی‌شمار و میلیونها منظومه شمسی بگیرید، تا سلول کوچک جزء فلان پیکر، فلان جسم و ترکیب ریز شیمیایی - که آن قدر نظم در این ترکیب عظیم متنوع و پیچیده وجود دارد که هزاران قانون از آن استنباط کرده‌اند؛ چون وقتی نظم غیرقابل تخلف شد، از آن قوانین تکوینی و بی‌تخلف استفاده می‌شود - ساخته و پرداخته یک فکر و اندیشه و تدبیر و قدرت است و تصادفاً به وجود نیامده است. ا.

رکن دوم، تکریم انسان است؛ یا می‌توانیم به آن بگوییم انسان محوری. البته انسان محوری در بینش اسلامی، به کلی با اومانیسیم اروپای قرون هجده و نوزده متفاوت است. آن یک چیز دیگر است، این یک چیز دیگر است. آن هم اسمش انسان محوری است؛ اما اینها فقط در اسم شبیه همدند. «الم تروا ان الله سخر لکم ما فی السموات و ما فی الارض». کسی که قرآن و نهج البلاغه و آثار دینی را نگاه کند، این تلقی را به خوبی پیدا می‌کند که از نظر اسلام، تمام این چرخ و فلک آفرینش، بر محور وجود انسان می‌چرخد. این شد انسان محوری. اما دو آیه هم در قرآن هست که همین تعبیری را که گفتیم - «سخر لکم ما فی السموات و ما فی الارض»؛ همه اینها مسخر شمایند - بیان می‌کند. مسخر شمایند، یعنی چه؟ یعنی الان بالفعل شما مسخر همه‌شان هستید و نمی‌توانید تأثیری روی آنها بگذارید؛ اما بالقوه طوری ساخته شده‌اید و عوالم وجود و کائنات به گونه‌ای ساخته شده‌اند که همه مسخر شمایند. مسخر یعنی چه؟ یعنی توی مشت شمایند و شما می‌توانید از همه آنها به بهترین نحو استفاده کنید. این نشان دهنده آن است که این موجودی که خدا آسمان و زمین و ستاره و شمس و قمر را مسخر او می‌کند، از نظر آفرینش الهی بسیار باید عزیز باشد. همین عزیز بودن هم تصریح شده است: «و لقد کرّمنا بنی آدم». این «کرّمنا بنی آدم» - بنی آدم را تکریم کردیم - تکریمی است که هم شامل مرحله تشریح و هم شامل مرحله تکوین است؛ تکریم تکوینی و تکریم تشریحی با آن چیزهایی که در حکومت اسلامی و در نظام اسلامی برای انسان معین شده؛ یعنی پایه‌ها کاملاً پایه‌های انسانی است.

سومین نقطه اصلی و اساسی در جهان بینی اسلامی، مسأله تداوم حیات بعد از مرگ است؛ یعنی زندگی با مردن تمام نمی‌شود. در اسلام و البته در همه ادیان الهی - این معنا هم جزو اصول جهان بینی است و تأثیر دارد. همان طور که گفتیم، تمام این اصول جهان بینی، در تنظیم روابط زندگی و در تنظیم پایه‌های حکومت اسلامی و اداره جامعه و اداره عالم مؤثر است. بعد از مرگ، ما وارد مرحله جدیدی می‌شویم. این طور نیست که انسان نابود شود؛ از جوی جستن و رفتن به یک مرحله دیگر است؛ و بعد در آن مرحله، مسأله حساب و کتاب و قیامت و این چیزهاست.

چهارمین نقطه اصلی این جهان بینی، عبارت است از استعداد بی پایان انسان در دارا بودن تمام چیزهایی که برای تعالی کامل انسان لازم است. انسان استعداد دارد که تا آخرین نقطه تعالی حیات ممکنات بالا برود؛ اما بقیه موجودات این امکان

^۱ بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۷۹/۰۹/۱۲

را ندارند. در آیه شریفه «لقد خلقنا الإنسان في احسن تقويم»، «احسن تقويم» معنایش این نیست که ما جسم انسان را طوری آفریده‌ایم که مثلاً سرش با دستش با چشمش با تنش تناسب دارد؛ این که مخصوص انسان نیست؛ هر حیوانی نیز همین‌طور است. در بهترین تقویم، یعنی در بهترین اندازه‌گیری انسان را آفریده‌ایم. اگر بشر بخواهد این سیر را داشته باشد، جز با استفاده از امکانات عالم ماده ممکن نیست. این هم جزو مسلمات است؛ لذا می‌گوید «خلق لکم ما فی الأرض جمیعاً». (۷) بنابراین سیر تعالی و تکاملی انسان در خلأ نیست؛ با استفاده از استعدادهای ماده است؛ بنابراین با هم سیر می‌کنند؛ یعنی شکوفایی انسان، همراه با شکوفایی عالم ماده و عالم طبیعت است؛ این در شکوفایی او اثر می‌گذارد، او در شکوفایی این اثر می‌گذارد و پیشرفتهای شگفت‌آور را به وجود می‌آورد.

آخرین نقطه‌ای که در این زمینه از بینش اسلامی عرض می‌کنم، این است که از نظر اسلام و بینش اسلامی، جریان عالم به سمت حاکمیت حق و به سمت صلاح است؛ این بروبرگرد هم ندارد. همه انبیا و اولیا آمده‌اند تا انسان را به آن بزرگراه اصلی‌ای سوق دهند که وقتی وارد آن شد، بدون هیچ‌گونه مانعی تمام استعدادهایش می‌تواند بروز کند. هنوز بشریت به نقطه شروع آن صراط مستقیم نرسیده است؛ آن در زمان ولی عصر ارواحانفاده محقق خواهد شد. قطعاً این طوری است که در نهایت، صلاح بر فساد غلبه خواهد کرد؛ قوای خیر بر قوای شر غلبه می‌کنند. این هم یک نقطه از نقاط جهان‌بینی اسلامی است که در آن هیچ‌گونه تردیدی نیست.

حال براساس اینها یک نتایج عملی به دست می‌آید و وظایفی برعهده انسانهایی که معتقد به این مبانی‌اند، قرار می‌گیرد. فرق نمی‌کند؛ چه حکومت اسلامی باشد و حاکمیت و قدرت در دست اهل حق باشد، چه حکومت اسلامی نباشد این وظایفی که عرض می‌کنم، در هر دو حالت بر دوش یکایک انسانها هست. این وظایف چیست که اینها نتایج عملی آن بینش است؟ من چند نقطه از این وظایف را یادداشت کرده‌ام که در این‌جا مطرح می‌کنم:

یک وظیفه عبارت است از عبودیت و اطاعت خداوند. چون عالم مالک و صاحب و آفریننده و مدبّر دارد و ما هم جزو اجزاء این عالمیم، لذا بشر موظف است اطاعت کند. این اطاعت بشر به معنای هماهنگ شدن او با حرکت کلی عالم است. انسان اگر برطبق قوانین و وظایف شرعی و دینی که دین به او آموخته است - عمل کند، هماهنگ با این حرکت آفرینش حرکت کرده؛ لذا پیشرفتش آسانتر است؛ تعارض و تضاد و اصطکاکش با عالم کمتر است؛ به سعادت و صلاح و فلاح خودش و دنیا هم نزدیکتر است. البته عبودیت خدا با معنای وسیع و کامل آن مورد نظر است؛ چون گفتیم توحید، هم اعتقاد به وجود خداست، هم نفی الوهیت و عظمت متعلق به بتها و سنگها و چوبهای خودساخته و انسانهای مدعی خدایی و انسانهایی که اسم خدایی کردن هم نمی‌آورند، اما می‌خواهند عمل خدایی کنند. پس در عمل، دو وظیفه وجود دارد: یکی اطاعت از خدای متعال و عبودیت پروردگار عالم، و دوم سرپیچی از اطاعت «انداد الله»؛ هر آن چیزی که می‌خواهد در قبال حکمروایی خدا، بر انسان حکمروایی کند. ذهن انسان فوراً به سمت این قدرتهای مادی و استکباری می‌رود؛ البته اینها مصادیقش هستند؛ اما یک مصداق بسیار نزدیکتر دارد و آن، هوای نفس ماست. شرط توحید، سرپیچی کردن و عدم اطاعت از هوای نفس است؛ که این «اخوف ما اخاف» است.

دوم، هدف گرفتن تعالی انسان است؛ تعالی خود و دیگران. این تعالی شامل تعالی علمی، تعالی فکری، تعالی روحی و اخلاقی، تعالی اجتماعی و سیاسی - یعنی جامعه تعالی پیدا کند - و تعالی اقتصادی است؛ یعنی رفاه امور زندگی مردم. همه موظفند برای این چیزها تلاش کنند؛ گسترش و پیشرفت علم برای همه؛ حاکمیت اندیشه سالم و فکر درست؛ تعالی روحی و معنوی و اخلاقی، خلق کریم و مکارم اخلاق؛ پیشرفت اجتماعی بشری - نه فقط جنبه‌های معنوی و علمی و اخلاقی یک فرد، بلکه جامعه هم مورد نظر است - و پیشرفت امور اقتصادی و رفاهی انسانها، و بایستی مردم را به سمت رفاه و تمتع هرچه بیشتر از امکانات زندگی پیش ببرند. این یکی از وظایف همه است؛ مخصوص دوره قدرت و حکومت هم نیست؛ در دوره حکومت غیر خدا هم این وظیفه وجود دارد.

سوم، ترجیح فلاح و رستگاری آخروی بر سود دنیوی، اگر با هم تعارض پیدا کردند. یعنی اگر در موردی پیش آمد که یک سود دنیوی در جهت هدفهای آخروی قرار نگیرد، تا آن جایی که ممکن است، انسان باید سعی کند این سود دنیوی را در جهت هدفهای آخروی قرار دهد. اگر یک جا با هم سازگار نبود، انسان یا بایستی از یک سود چشم‌پوشد - چه سود مالی، چه سود قدرت و مقام و محبوبیت و... - یا بایستی گناهی را مرتکب شود که موجب وزر آخروی است. لازمه اعتقاد به آن جهان‌بینی این است که انسان جنبه آخروی را ترجیح دهد؛ یعنی از آن سود صرف نظر کند و آن گناه را مرتکب نشود. برعهده هر مسلمانی است که این‌گونه عمل کند. انسان باید فعالیت‌های خودش را برنامه‌ریزی کند؛ به

نحوی که با تلاشهای عظیم دنیوی که ناگزیر است آنها را انجام دهد، منافاتی پیدا نکند و برخلاف فلاح آخروی و وظایفی که تخلف از آنها ممکن است در آخرت برای انسان وزر و وبال به بار آورد، نباشد.

چهارم، اصل مجاهدت و تلاش و مبارزه است. یکی از کارهای واجب و اصلی برای هر انسانی این است که مبارزه کند؛ یعنی دائم باید تلاش کند و به تبلی و بی عملی و بی تعهدی تن ندهد. گاهی انسان عمل هم دارد، اما نسبت به وظایف اصلی تعهد ندارد؛ می گوید به ما چه! کج رویهای برخاسته از هوس نیز همین طور است. انسان به اینها نباید تن بدهد. بایستی حتماً با تبلی و بی عملی خودش مبارزه کند؛ تلاش و مجاهدت کند و در این راه قبول خطر کند. البته این مجاهدت باید مجاهدت فی سبیل الله باشد که آن را در بند بعدی عرض می کنم.

پنجمی و آخری، امید به پیروزی در همه شرایط است؛ به شرط آن که جهاد فی سبیل الله باشد. کسی که مشغول مجاهدت است، حق ندارد ناامید شود؛ چون یقیناً پیروزی در انتظار اوست. آن مواردی که پیروزی به دست نیامده و نا کامی حاصل شده است، به این خاطر بوده که مجاهدت فی سبیل الله نبوده است؛ یا اگر مجاهدت بوده، فی سبیل الله نبوده؛ یا اصلاً مجاهدت نبوده است. شرط مجاهدت فی سبیل الله چیست؟ این است که انسان به سبیل الله ایمان و باور و معرفت داشته باشد و آن را بشناسد؛ بنابراین می تواند در راه آن مجاهدت کند.

اینها وظایف یک انسان به عنوان یک فرد و وظایف یک مجموعه به عنوان حکومت است. عرض کردم، اینها مخصوص دوران قدرت نیست که چون امروز حکومت در دست مجموعه مؤمنین بالله و مؤمنین به اسلام است، ما این وظایف را داریم. آن وقتی هم که قدرت در دست این مجموعه نبود همه این وظایف وجود داشت. بعضی عمل می کردند، بعضی عمل نمی کردند؛ بعضی بیشتر عمل می کردند، بعضی کمتر عمل می کردند. این وظایف الان هم برعهده همه مسلمانهاست؛ البته بعضی وظایفشان بیشتر است، بعضی کمتر است.

ایجاد این قدرت الهی و اسلامی، امر بسیار دشواری است. این چیزی که الان پیش آمده و شما می توانید از طریق آن، این هدفها را تحقق ببخشید، آسان به دست نیامده است. صدها شرط و صدها موقعیت باید ردیف شوند و کنار هم قرار گیرند تا حادثه‌ای مثل انقلاب اسلامی بتواند رخ دهد. این طور نبود که در هر زمانی، در هر شرایطی، در هر کشوری، چنین حادثه‌ای بتواند پیش بیاید؛ نه. در تاریخ ما، در وضع زندگی ما، در مردم ما، در ارتباطات اجتماعی ما، در اعتقادات ما، در وضع حکومت ما، در وضع جغرافیایی ما، در ارتباطات سیاسی و اقتصادی عالم، آن قدر حوادث فراوان کنار هم قرار گرفت تا شرایط آماده شد برای این که انقلاب اسلامی به وجود آید و پیروز شود. این شرایط، آسان به دست نمی آید. این همه شرایط با همدیگر مجتمع شوند تا چنین چیزی پیش آید؛ چیز بسیار مستبعدی است. البته نه این که ممکن نیست - قطعاً اگر شرایط را پیش بیاورند، در همه جا ممکن است - لیکن در کشور ما به هر حال این شرایط پیش آمد و شد؛ و این پدیده بسیار مغتنم و دیرپای و عجیبی است، باید قدر این را دانست.

ما می خواهیم آن نظامی، آن تشکیلاتی و آن حکومتی را که بتوان این هدفها را در آن محقق کرد، به وجود آوریم. این یک فرآیند طولانی و دشواری دارد و شروعش از انقلاب اسلامی است. البته انقلاب که می گوئیم، حتماً به معنای زد و خورد و شلوغ کاری و امثال اینها نیست؛ برخلاف آن برداشتهایی است که می بینیم در بعضی از نوشته‌ها خوششان می آید با کلمه‌ی انقلاب بازی کنند! گاهی می خواهند انقلاب را به معنای شورش، اغتشاش، بی نظمی و بی سامانی وانمود کنند و بگویند ما انقلاب نمی خواهیم؛ یعنی انقلاب چیز بدی است! این برداشتهای غلط از انقلاب است. انقلاب یعنی دگرگونی بنیادی. البته این دگرگونی بنیادی در اغلب موارد بدون چالشهای دشوار و بدون زورآزمایی، امکانپذیر نیست؛ اما معنایش این نیست که در انقلاب حتماً بایستی اغتشاش و شورش و امثال اینها باشد؛ نه، ولی هر شورش و هر اغتشاش و هر تهییج عام و توده‌ای هم معنایش انقلاب نیست؛ هر تحولی هم معنایش انقلاب نیست؛ انقلاب آن جایی است که پایه‌های غلطی برچیده می شود و پایه‌های درستی به جای آن گذاشته می شود. این قدم اول است. انقلاب که تحقق پیدا کرد، بلافاصله بعد از آن، تحقق نظام اسلامی است. نظام اسلامی، یعنی طرح مهندسی و شکل کلی اسلامی را در جایی پیاده کردن. مثل این که وقتی در کشور ما نظام سلطنتی استبدادی فردی موروثی اشرافی وابسته برداشته شد، به جای آن، نظام دینی تقوایی مردمی گزینشی جایگزین می شود؛ با همین شکل کلی که قانون اساسی برایش معین کرده، تحقق پیدا می کند؛ یعنی نظام اسلامی. بعد از آن که نظام اسلامی پیش آمد، نوبت به تشکیل دولت اسلامی به معنای حقیقی می رسد؛ یا به تعبیر روشن تر، تشکیل منش و روش دولتمردان - یعنی ماها - به گونه اسلامی؛ چون این در وهله‌ی اول فراهم نیست؛ بتدریج و با تلاش باید به وجود آید. مسؤولان و دولتمردان باید خودشان را با ضوابط و شرایطی که متعلق به یک مسؤول دولت اسلامی است، تطبیق کنند. یا چنان افرادی - اگر هستند - سر کار بیایند؛ یا اگر ناقصند، خودشان را به سمت کمال در آن جهت حرکت دهند و پیش ببرند. این مرحله سوم است که از آن تعبیر به ایجاد دولت اسلامی می کنیم. نظام اسلامی قبلاً آمده، اکنون دولت باید اسلامی شود. دولت به معنای عام، نه به معنای هیأت وزرا؛ یعنی قوای سه گانه، مسؤولان کشور، رهبری و همه. مرحله‌ی چهارم

- که بعد از این است - کشور اسلامی است. اگر دولت به معنای واقعی کلمه اسلامی شد، آن گاه کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی خواهد شد؛ عدالت مستقر خواهد شد؛ تبعیض از بین خواهد رفت؛ فقر بتدریج ریشه کن می شود؛ عزت حقیقی برای مردم به وجود می آید؛ جایگاهش در روابط بین الملل ارتقاء پیدا می کند؛ این می شود کشور اسلامی. از این مرحله که عبور کنیم، بعد از آن، دنیای اسلامی است. از کشور اسلامی می شود دنیای اسلامی درست کرد. الگو که درست شد، نظایرش در دنیا به وجود می آید.

ما در کدام مرحله ایم؟ ما در مرحله سومیم؛ ما هنوز به کشور اسلامی نرسیده ایم. هیچ کس نمی تواند ادعا کند که کشور ما اسلامی است. ما یک نظام اسلامی را طراحی و پایه ریزی کردیم - «ما»، یعنی همانهایی که کردند - و الان یک نظام اسلامی داریم که اصولش هم مشخص و مبنای حکومت در آن جا معلوم است. مشخص است که مسؤولان چگونه باید باشند. قوای سه گانه وظایفشان معین است. وظایفی که دولتها دارند، مشخص و معلوم است؛ اما نمی توانیم ادعا کنیم که ما یک دولت اسلامی هستیم؛ ما کم داریم. ما باید خودمان را بسازیم و پیش ببریم. ما باید خودمان را تربیت کنیم. البته اگر در رأس کار یک امام معصوم مثل امیرالمؤمنین علیه الصلاة والسلام باشد که قولش، فعلش و منشش الگوست، کار برای کارگزاران نظام آسانتر است؛ چون نسخه کامل را در اختیار دارند و در همه چیزش هدایت هست. وقتی آدمی مثل من در رأس کار باشد، البته کار کارگزاران مشکلتر است؛ ولی ثوابشان هم بیشتر است. اگر توانستند در این راه حرکت کنند، اجر الهی شان بیشتر خواهد شد. هر کدام از شما تلاش کنید که برای این مسؤولیتها خودتان را با الگوی اسلامی منطبق سازید؛ یعنی دینتان، تقویاتان، رعایتان نسبت به حال مردم، رعایتان نسبت به شرع، رعایتان نسبت به بیت المال، اجتنابتان از خودخواهیها و خودپرستیها و رفیق بازیها و قوم و خویش پرستیها و اجتنابتان از تنبلی و بیکارگی و بی عملی و هوی و هوس و این چیزها مطابق با الگوی اسلام باشد. هر کدام از شما بتوانید در این زمینه ها کار خودتان را بکنید و پیش بروید و خودتان را بسازید، البته ثواب شما از آن کسی که در زمان امیرالمؤمنین علیه الصلاة والسلام این کار را می کرد، یقیناً بیشتر است؛ چون او به امیرالمؤمنین علیه الصلاة والسلام نگاه می کرد و آن حضرت الگوی کامل بود؛ اما شما چنین کسی را ندارید که آن طور به او نگاه کنید و برایتان الگو باشد؛ لیکن ضوابط در دست همه ما هست و امروز همه مان وظیفه داریم.

عمده ترین خطر چیست؟ من در پاسخ به این سؤال یک روایت می خوانم. فرمود: «ان اخوف ما اخاف علیکم اثنان اتباع الهوی و طول الأمل». خطر عمده دو چیز است: اول، هوس پرستی و هوی پرستی است. تعجب نکنید؛ از همه خطرها بالاتر، همان هوای نفسی است که در دل ماست؛ «ان اعدی عدوک نفسک التی بین جنییک»؛ از همه دشمنها دشمن تر، همان نفس، همان «من» و همان خودی است که در وجود توست؛ آن منیّتی که همه چیز را برای خود می خواهد. این جا هم از زبان پیغمبر همین را می فرماید: «ان اخوف ما اخاف علیکم اثنان اتباع الهوی و طول الأمل فأما اتباع الهوی فیصدّ عن الحق»؛ یعنی پیروی از هوای نفس، شما را از راه خدا گمراه می کند. غالب این گمراهیها به خاطر هوای نفس است. البته ما برای خودمان هزار رقم توجیه درست می کنیم، برای این که از راه خدا منحرف شویم و حرف و عملمان غیر از آن چیزی باشد که شرع و دین برای ما معین کرده است. هوای نفس خصوصیتش این است که شما را از سبیل الله - که جهاد در سبیل الله لازم است - گمراه می کند. «و اما طول الأمل فینسی الأخره». طول امل، یعنی آرزوهای دور و دراز شخصی: تلاش کن، برای این که فلان طور، خانه برای خودت درست کنی؛ تلاش کن و مقدمات را فراهم کن، برای این که به فلان مقام برسی؛ تلاش کن، زید و عمرو را ببین و هزار نوع مشکل را پشت سر بگذار تا این که فلان سرمایه را برای خودت فراهم آوری و فلان فعالیت اقتصادی را در مشت بگیری. این طول الأمل - یعنی آرزوهای که یکی پس از دیگری می آیند و تمام نشدن آنها - جلو چشم انسان صف می کشند؛ برای انسان هدف درست می کنند و هدفهای حقیر در نظر انسان عمده می شود. خاصیت این هدفها «ینسی الأخره» است؛ آخرت را از یاد انسان می برند؛ انسان دائماً مشغول هدفهای حقیر می شود؛ برای انسان وقتی باقی نمی ماند؛ دل انسان را می میراند؛ میل به دعا، میل به انابه، میل به تضرع و میل به توجه را برای انسان باقی نمی گذارند.

معیار های کلی یک کاندیدای اصلح برای ریاست جمهوری

مستضعفین بیشتر باید مورد توجه مسئولان باشند

وقتی می‌گوییم «مردم»، منظور همه طبقات مردمند؛ لیکن بدیهی است کسانی از مردم باید بیشتر مورد توجه قرار گیرند که بیشتر مورد محرومیت قرار گرفته‌اند؛ لذا امام دائماً روی طبقات محروم و پابرهنگان کشور تکیه می‌کردند. این فریب است که کسی ادعا کند برای مردم کار می‌کند؛ اما در عمل، کار او برای طبقات مرفه باشد، نه برای طبقات مستضعف و محروم. نه این که نباید برای طبقات مرفه کار کرد؛ آنها هم از حقوق عمومی کشور باید بهره‌مند شوند؛ اما به آن کسی که محرومیت دارد و دستش از حقوق خود خالی مانده است، باید بیشتر توجه و همت و تلاش را اختصاص داد. لذا امام به طور دائم بر حقوق مستضعفان و محرومان و پابرهنگان تکیه می‌کرد. عملاً هم در تمام مدت پیروزی انقلاب تا امروز و قبل از آن، کسانی که بیش از همه سینه سپر کردند، از نظام دفاع کردند، سختیهای نظام را به جان خریدند و در مقابل دشمنان ایستادند، طبقات محروم و پابرهنگه و مستضعفان جامعه بوده‌اند. اینها باید بیش از دیگران مورد توجه قرار گیرند.^۲

اصلح یعنی کسی که برای ریشه کنی فقر و فساد عزم جدی داشته باشد

اصلح یعنی چه کسی؟ یعنی کسی که همین هدف‌ها را دنبال کند؛ یعنی کسی که همین دردها را بداند و حس کند؛ یعنی کسی که برای ریشه‌کنی فقر و فساد عزم جدی داشته باشد؛ یعنی کسی که به حال قشرهای محروم و مستضعف دل بسوزاند. اصلح کسی است که هم به ترقی و پیشرفت کشور و توسعه اقتصادی و غیراقتصادی بیندیشد؛ هم زیر توهمات مربوط به توسعه، آن چنان محو و مات نشود که از یاد قشرهای مظلوم و ضعیف غافل بماند. اصلح کسی است که به فکر معیشت مردم، دین مردم، فرهنگ مردم و دنیا و آخرت مردم باشد. اصلح کسی است که بتواند این بار عظیم را بر دوش بگیرد؛ هر کسی نمی‌تواند این بار را بر دوش بگیرد؛ نشاط و حوصله و همت و قدرت لازم و هوشمندی لازم دارد. البته هر کس صلاحیتش در مراکز قانونی تأیید شود، صالح است؛ اما باید در بین صالح‌ها گشت و صالح‌تر را پیدا و او را انتخاب کرد. این، هنر شما مردم است.^۳

مردم از دعوای سیاسی و من خوبم و تو بدی خسته‌اند / به مستضعفین توجه شود

مردم از دعوای سیاسی و اختلافات سیاسی و من خوبم و تو بدی خسته‌اند؛ مردم این چیزها را دوست نمی‌دارند. در کشور کارهای زیادی هست که باید انجام بگیرد؛ کارهای زیادی هم انجام گرفته است. مشکلات فراوانی وجود دارد که باید برطرف شود؛ گره‌هایی هست که باید باز شود. در کشور باید فساد ریشه‌کن شود؛ تبعیض نباشد؛ به طبقه‌ی مستضعف و محروم - بخصوص مستضعفین بی‌دست و پا - به‌طور ویژه توجه شود؛ اینها وظایف اسلامی ماست؛ وظایفی است که قانون اساسی بر دوش همه‌ی مسئولان کشور گذاشته است؛ هیچ‌کس نمی‌تواند خود را از این کارها برکنار بدارد. دعوای لفظی، شعارهای لفاظی‌گونه، اسم از مفاهیم مبهم و بی‌سروته آوردن، مشکل مردم را حل نمی‌کند؛ مردم احتیاج دارند به این که در میدان عمل و کار، با لجن‌هایی که نمی‌گذارد این دریاچه‌ی مصفا طراوت لازم را داشته باشد، مبارزه شود. کسی که سر کار می‌آید - هر کس باشد، هر شعاری داده باشد، هر حرفی در مقام ادعا به مردم زده باشد - اولین وظیفه‌اش این است که برای گره‌گشایی مشکلات مردم آستین همت بالا بزند؛ همکاران خودش را از کسانی که مؤمن به حق مردم و مؤمن به کارایی نظام جمهوری اسلامی هستند، انتخاب کند؛ وارد میدان عمل شود و برای مردم کار کند.^۴

رئیس جمهور دور از فساد، اسراف، اشرافی‌گری و تجمل باشد

من نسبت به شخص، هیچ‌گونه نظری ابراز نمی‌کنم؛ اما شاخصهائی وجود دارد. بهترین، آن کسی است که درد کشور را بفهمد، درد مردم را بداند، با مردم یگانه و صمیمی باشد، از فساد دور باشد، دنبال اشرافیگری خودش نباشد. آفت بزرگ ما اشرافیگری و تجمل‌پرستی است؛ فلان مسئول اگر

^۲ بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی(ره). ۱۳۸۰/۳/۱۴

^۳ بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مردم شهرستان جیرفت ۱۳۸۴/۲/۱۷

^۴ بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۸۴/۳/۲۵

اهل تجمل و اشرافیگری باشد، مردم را به سمت اشرافیگری و به سمت اسراف سوق خواهد داد... یکی از اساسی‌ترین کارها برای اینکه ما جلوی اسراف را بگیریم این است که مسئولین کشور، خودشان، کسانشان، نزدیکانشان و وابستگانشان، اهل اسراف و اهل اشرافیگری نباشند... اولین کار این است که ما مسئولین کشور را، افرادی انتخاب کنیم که مردمی باشند، ساده‌زیست باشند، درد مردم را بدانند و خودشان از درد مردم احساس درد کنند. این هم به نظر من شاخص مهمی است. آگاهانه بگردید؛ برسید؛ و به آنچه که رسیدید و تشخیص دادید، با قصد قربت اقدام کنید؛ با قصد قربت پای صندوق انتخابات بروید و خدای متعال اجر خواهد داد.^۵

مردم به دنبال ریسی جمهور توانا، شاداب و با احساس مسئولیت باشند

مردم باید دنبال رئیس جمهوری باشند که توانایی، شادابی، احساس مسئولیت و آمادگی به کار داشته باشد.^۶

ریسی جمهور باید با اخلاص، با نشاط، شاداب، شجاع، مردمی و انقلابی باشد

مردم باید با چشم باز در این صحنه‌ی مهم حاضر شوند و ان شاءالله خدای متعال کمک کند و دل‌های مردم را هدایت کند تا فرد با کفایت، شجاع، با اخلاص، دارای روح مردمی، شاداب و با نشاط، مؤمن به هدفها و ارزشهای انقلاب، مؤمن به مردم، مؤمن به نیروی مردم و معتقد به حق مردم را انتخاب کنند؛ این مهمترین بخش مشارکت عمومی مردم در امسال است.^۷

به کسی گرایش پیدا کنید که به دین و دنیای مردم اهمیت می دهد

شما از نامزد خودتان حمایت کنید، دیگران هم از نامزد خودشان حمایت کنند و به او رأی دهند. در پیدا کردن نامزد مورد نظر دقت کنید. به کسی گرایش پیدا کنید که به دین مردم، به انقلاب مردم، به دنیای مردم، به معیشت مردم، به آینده‌ی مردم و به عزت مردم اهمیت می‌دهد. بحمدالله میدان برای آزمودن و دیدن و شناختن باز است؛ ملت ما هم هشیار است.^۸

ریسی جمهور توانایی کار اجرایی داشته و دلبسته نظام و قانون اساسی باشد

هر کسی که در خود صلاحیتی احساس میکند و کار اجرایی بلد است، می‌آید و خود را در معرض انتخاب مردم میگذارد. اداره‌ی مملکت و کار اجرایی، کار کوچکی نیست. کارهای بزرگ و بارهای سنگینی بر دوش مجریان سطوح بالاست. ممکن است کسانی که در سطوح دیگری کار میکنند، ابعاد این سنگینی را هم بعضاً تشخیص ندهند که چقدر این بار سنگین است. آن کسانی که وارد میدان میشوند، باید کسانی باشند که در خود توانایی کشیدن این بار را بیابند؛ صلاحیتهائی را هم که در قانون اساسی است و شورای محترم نگهبان بر روی آنها تکیه خواهد کرد، در خودشان ملاحظه کنند و واقعاً وابسته و دلبسته‌ی به نظام و قانون اساسی باشند؛ بخواهند قانون اساسی را اجرا کنند؛ چون رئیس جمهور سوگند می‌خورد که قانون اساسی را اجرا کند؛ قسم دروغ که نمیشود خورد. کسانی که این را احساس میکنند، در آن میدان می‌آیند؛ کسانی هم که نه، قصد ندارند در این صحنه حاضر شوند، در صحنه‌ی انتخاب کردن و کمک به پرشور شدن انتخابات شرکت خواهند کرد.^۹

^۵ بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج

^۶ بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مردم پاکدشت ۱۳۸۳/۱۱/۱۰

^۷ بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در حرم رضوی علیه السلام ۱۳۸۴/۱/۱

^۸ بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) ۱۳۸۴/۳/۱۴

^۹ بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مردم قم ۱۳۹۱/۱۰/۱۹

آنچه که برای رییس جمهور آینده نیاز داریم...

این را همه بدانند که آنچه ما برای رییس جمهور آینده نیاز داریم، عبارت است از امتیازاتی که امروز وجود دارد، منهای ضعفهایی که وجود دارد. این را همه توجه کنند؛ رییس جمهور هر دوره‌ای باید امتیازات کسبی و ممکن‌الحصول رییس جمهور قبلی را داشته باشد، ضعفهای او را نداشته باشد. هر کسی بالاخره نقاط قوتی دارد و نقاط ضعفی دارد. رؤسای جمهور — چه رییس جمهور امروز، چه رییس جمهور فردا — نقاط قوتی دارند و نقاط ضعفی هم دارند. همه‌ی ما همین جوریم؛ نقاط قوتی داریم، نقاط ضعفی داریم. آن چیزهایی که امروز برای دولت و برای رییس جمهور نقاط قوت محسوب میشود، اینها باید در رییس جمهور بعدی وجود داشته باشد، اینها را باید در خود تأمین کند؛ آن چیزهایی که امروز نقاط ضعف شناخته میشود — که ممکن است شما بگوئید، من بگویم، دیگری بگوید — این نقاط ضعف را باید از خود دور کند. یعنی ما در سلسله‌ی دولتهایی که پشت سر هم می‌آیند، باید رو به پیشرفت باشیم، رو به تعالی و تکامل باشیم، تدریجاً بهترینهای خودمان را بفرستیم؛ هر کسی می‌آید، پایبند به انقلاب، پایبند به ارزشها، پایبند به منافع ملی، پایبند به نظام اسلامی، پایبند به عقل جمعی، پایبند به تدبیر باشد.^{۱۰}

✽ آنچه که در ادامه می‌آید، تلخیصی از جزوه «نقاط ضعف و قوت دولت نهم و دهم از نگاه رهبری» است که به همت «کمیته امام و رهبری بسیج دانشگاه امام صادق (علیه السلام)» تدوین شده است.

^{۱۰} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در حرم رضوی ۱۳۹۲/۱/۱

الف) ویژگی های شخصیتی رئیس جمهور

ملت ما با اکثریتی قاطع،

- شخصیتی انقلابی و دانشمند و مدیری شایسته و کارآزموده و دارای سوابق مجاهدت صادقانه در صحنه های گوناگون راه، به ریاست جمهوری برگزیده است.
- سخن صریح و قاطع و صادقانه ای ایشان در تعهد به خدمتگزاری و رفع محرومیت و مبارزه با فساد،
- و لحن افتخارآمیز ایشان در پایبندی به اسلام و آرمان های انقلاب، که با منش مردمی و ساده زیستی همراه بود، دلها و آراء مردم را متوجه ایشان کرد و مسوولیت مهم ریاست جمهوری را بر دوش ایشان نهاد.^{۱۱}

^{۱۱} متن تنفیذ حکم ریاست جمهوری آقای دکتر محمود احمدی نژاد ۱۳۸۴/۰۵/۱۲

ب) ویژگی های دولت نهم و دهم

۱- ویژگی های اصلی و انقلابی دولت

پایبندی به ارزش های انقلاب

یک بخش دیگر از این نقاط قوتی که به نظر من روی آن باید تکیه کرد، مسئله‌ی برجسته شدن ارزش‌های انقلاب است. در این سالهایی که دولت نهم و دولت دهم بر سر کار بودند تا امروز، گفتمان انقلاب و ارزش‌های انقلاب و چیزهایی که امام به آن توصیه می‌کردند و ما آنها را از انقلاب آموختیم، خوشبختانه کاملاً برجسته شده: مسئله‌ی ساده‌زیستی مسئولان، استکبارستیزی، افتخار به انقلابی‌گری. یک دوره‌ای بر ما گذشت که اسم انقلاب و انقلابی‌گری و اینها به انزوا افتاده بود؛ سعی میکردند به عنوان یک ارزش منفی یا ضد ارزش، از این چیزها یاد کنند؛ مقاله می‌نوشتند، حرف می‌زدند، گفته می‌شد. امروز خوشبختانه اینجور نیست، درست بعکس است؛ گرایش عمومی مردم و مسئولان کشور به حرکت انقلابی، جهتگیری انقلابی، ارزشهای انقلابی و مبانی انقلاب است. این را توجه داشته باشید که یکی از عوامل گرایش مردم به دولت، همینهاست؛ یعنی مردم به این ارزشها اهمیت میدهند. مسئله‌ی دعوت به عدالت، مسئله‌ی ساده‌زیستی، دور بودن مسئولان از تجمل؛ اینها خیلی چیزهای مهمی است.^{۱۲}

عدالت محوری

...من باید از آقای احمدی نژاد تشکر کنم که ایشان کار جدیدی کردند؛ عدالت محوری را به عنوان یک شعار گذاشتند وسط؛ این کار خیلی بزرگی بود.^{۱۳}

نکته‌ی بعدی این است که این دولت به عنوان یک دولت «اصولگرا» شناخته شده و رفتار و تلاشی هم که تا امروز نشان داده و آنچه در عمل و قولش منعکس شده، همین اصولگرایی را نشان میدهد؛ که ان‌شاءالله خود همین برای کشور و شما برکاتی خواهد داشت. شاخصه‌های اصولگرایی، شاخصه‌های مهمی است؛ این شاخصه‌ها باید مورد توجه قرار بگیرد، که من به بعضی از اینها اشاره میکنم. شاخصه‌ی اول «عدالتخواهی و عدالت‌گستری» است.^{۱۴} دوم، همین پایبندی به عدالت است که عرض کردیم. ممکن است شماها نتوانسته باشید - یا تا آخر هم نتوانید - همه‌ی آنچه را که در مورد عدالت میباید انجام داد، انجام بدهید؛ لکن نفس رویکرد شما به عدالت، چیز بسیار بالارزشی است و هر مقداری که میتوانید بایستی حرکت کنید که:

به راه بادیه رفتن به از نشستن باطل
که گر مراد نجویم به قدر وسع بکوشم

بهرتر از این است که انسان اصلاً دم از عدالت نزند، عدالت را فراموش کند، عدالت را در لابه‌لای مفاهیم دیگری مخفی و گم کند و از ذهن و چشم انسان دور بشود. اینها جایز نیست. وقتی عدالت رو آمد و به عنوان یک معیار و شاخص اصلی مورد توجه قرار گرفت، به‌طور قهری در برنامه‌ها هم خواهد آمد. پایبندی به عدالت هم، شاخصه‌ی بعدی است.^{۱۵}

فساد ستیزی

«فسادستیزی» شاخصه‌ی دیگری است. «سلامت اعتقادی و اخلاقی مسئولان کشور» - بخصوص مسئولان عالی‌رتبه، در سطوح دولت و معاونین و از این قبیل - بسیار مهم است و شاخصه‌ی دیگری است که از لحاظ اعتقادی و اخلاقی اشخاص سالمی باشند.^{۱۶}

جرات در مقابله‌ی با فساد. مقابله‌ی با فساد خیلی کار سختی است. یک وقتی بنده گفتم که این اژدهای هفت سر فساد را به این آسانی نمیشود قلع و قمع کرد؛ خیلی کار سختی است. نه اینکه حالا بگویم قلع و قمع شده؛ نخیر، الان هم قلع و قمع نشده؛ لیکن جرات مقابله‌ی با آن هست. خب، وقتی که اجزاء مجموعه، خودشان آلوده‌ی به فساد نباشند، طبعاً جراتشان بیشتر است. بسیاری از مجموعه‌های قبلی هم حقیقتاً پاکیزه بودند - یعنی آلودگی نداشتند - اما بالاخره جرات در مقابله‌ی با فساد یک امتیازی است که در شما هست.^{۱۷}

^{۱۲} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۹۱/۶/۶

^{۱۳} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار رئیس جمهور و هیأت وزیران ۰۸/۰۶/۱۳۸۴

^{۱۴} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت ۰۶/۰۶/۱۳۸۵

^{۱۵} بیانات معظم له در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت به مناسبت هفته دولت ۰۴/۰۶/۱۳۸۶

^{۱۶} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت ۰۶/۰۶/۱۳۸۵

^{۱۷} دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت ۰۲/۰۶/۱۳۸۷

۲- دولت و منشور کار آمدی

پیشرفت های عمرانی کشور

در طول این چند سال در کشور کارهای وسیع عمرانی انجام گرفته؛ بخصوص در مناطق دوردست، در بخشهای مختلف؛ اینها واقعاً کارهای مهمی است؛ این یک رویکرد بسیار مهمی در حرکت دولت است.^{۱۸}

اعتزاز به اسلام

«اعتزاز به اسلام» یکی دیگر از شاخصه های اصولگرایی است. ما در دوران این بیست و هفت سال، بعضی از مسئولان نظام اسلامی را دیده بودیم که خجالت میکشیدند یک حکم اسلامی یا یک جهتگیری اسلامی را صریحاً بر زبان بیاورند؛ نه، ما طلبکاریم. من بارها گفته ام، در قضیه ی «زن»، ما پاسخگوی غرب نیستیم، غرب باید پاسخگوی ما باشد؛ ما هستیم که سؤال مطرح میکنیم. در زمینه ی حقوق بشر، ماییم که طلبکار مدعیان منافق و دو روی حقوق بشر هستیم. بنابراین به اسلام اعتزاز داشته باشید. آنچه را که اسلام به ما آموخته، اگر ما درست یاد گرفته باشیم و دچار کجفکری و انحراف و غلطفهمی نشده باشیم، چیزی است که باید به آن افتخار کنیم.^{۱۹}

اجتناب از اسراف

«اجتناب از اسراف و ریخت و پاش» که جزو برنامه های بسیار خوب شماهاست.^{۲۰}

خرد ورزی در تصمیم گیری

مسئولیت پذیری و پاسخگویی

اهتمام به علم و پیشرفت علمی

از جمله ی شاخصه های مهم اصولگرایی، یکی «اهتمام به علم و پیشرفت علمی» است.^{۲۱}

سعه صدر و تحمل مخالف

«سعه ی صدر و تحمل مخالف»؛ که از جمله ی شاخصه هایی است که جزو پایه های اصولگرایی است.^{۲۲}

اجتناب از هوای نفس

«اجتناب از هواهای نفس»؛ چه هوای نفس شخصی، چه هوای نفس گروهی؛ که حالا آقای رئیس جمهور گفتند و این نکته ی خوبی است. بحمدالله عناصر دولت به هیچ گروه و دسته و باند و جریانی وابسته نیستند؛ این خیلی نکته ی مهمی است. مراقب باشید حرکت، اظهار نظر و حرف، انتساب به یک جریان، به یک باند و به یک گروه را پیش نیاورد، که اگر این طور شود، هوای نفس تقریباً انفکاک ناپذیر است. هوای نفس گروهی هم مثل هوای نفس شخصی است؛ آن هم همین طور است. هوای نفس گروهی هم انسان را بی حساب و کتاب به این طرف و آن طرف میکشاند و از خرد و جاده ی مستقیم منحرف میکند. این هم جزو لوازم اصولگرایی است.^{۲۳}

^{۱۸} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت ۰۶/۰۶/۱۳۹۱

^{۱۹} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت ۰۶/۰۶/۱۳۸۵

^{۲۰} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت ۰۶/۰۶/۱۳۸۵

^{۲۱} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت ۰۶/۰۶/۱۳۸۵

^{۲۲} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت ۰۶/۰۶/۱۳۸۵

^{۲۳} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت ۰۶/۰۶/۱۳۸۵

^{۲۴} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت ۰۶/۰۶/۱۳۸۵

^{۲۵} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت ۰۶/۰۶/۱۳۸۵

استفاده از حداکثر فرصت

در گزارش دولت - که به مناسبت این روزها به من داده شده - خوانده‌ام که دولت حتی یک روز را هم بیهوده از دست نداده؛ همین‌طور درست است. من می‌خواهم تکیه کنم که حتی یک روز را هم نگذارید هدر برود.^{۲۶}

پایبندی به خدمت^{۲۷}

پرکاری دولت

پرکاری این دولت هم انصافاً چیز برجسته‌ای است؛ حتی بعضیهایی که مخالف هم هستند، این را نمیتوانند انکار کنند؛ یعنی بی‌انصافیها هرچه هم زیاد باشد، نمیتواند بر این حقیقت غلبه پیدا کند که دولت شما انصافاً دولت پرکاری است و تلاشتان و کارتان و تحرکتان خیلی زیاد است. این بسیار جای خرسندی دارد.^{۲۸}

یک خصوصیت این است که این دولت، واقعاً یک دولت کار است^{۲۹}

شجاعت و قاطعیت دولت

خصوصیت دیگر، شجاعت این دولت و قاطعیت اوست. این کار بزرگی که شما برای سهمیه‌بندی بنزین انجام دادید که یک قدم اولی است تا یارانه‌ها هدفدار و هدفمند شده و به آن سرمنزل خود هدایت و مصرف بشوند.^{۳۰}

تحول و نوآوری دولت

از جمله‌ی خصوصیات دیگری که من یادداشت کرده‌ام در این جا بگویم، مسئله‌ی روحیه‌ی تحول‌گرایی و نوآوری و اصلاح است. همین‌طور که الان آقای رئیس‌جمهور گزارش دادند، تغییراتی که در ساخت عمومی تشکیلات دستگاه و دولت داده میشود، خیلی کارهای اساسی ای است. اصلاح هم واقعاً همینهاست که انسان بیاید و در جهت صلاح، بخشهای مختلف را نگاه کند و ساختها را به‌طور اساسی تغییر بدهد و دگرگون کند.^{۳۱}

یا جرأت در ایجاد تحول؛ حالت روحی این دولت این است که برای تحول‌آفرینی جرأت دارد و اقدام میکند.^{۳۲}

توقف روند غرب‌گرایی در دولت

روند غرب‌باوری و غرب‌زدگی را که متأسفانه داشت در بدنه‌ی مجموعه‌های دولتی نفوذ میکرد، متوقف کردید؛ این چیز مهمی است. حالا یک عده‌ای در جامعه، ممکن است به هر دلیلی شیفته‌ی یک تمدنی یا یک کشوری باشند؛ اما این وقتی به بدنه‌ی مدیران انقلاب و مجموعه‌های انقلاب نفوذ میکند، چیز خیلی خطرناکی میشود. این دیده میشود؛ خب، جلوی گرفته شد.^{۳۳}

جلوگیری از گرایش‌های سکولاریستی

گرایش‌های سکولاریستی - که متأسفانه باز داشت در بدنه‌ی مجموعه‌ی مدیران کشور نفوذ میکرد - جلوی گرفته شد. نظام انقلابی، بر مبنای دین و بر مبنای اسلام و بر مبنای قرآن شکل گرفته و به همین دلیل از حمایت میلیونی این ملت برخوردار شده و جانهایشان را کف دستشان گرفته‌اند و جوانهایشان را به میدانهای خطر فرستاده‌اند؛ آن وقت مسئولان یک چنین نظامی دم از مفاهیم سکولاریستی بزنند؟! «یکی بر سر شاخ و بن میبیرد»؛ یعنی خودشان بنشینند و بنا کنند بن این مینا و قاعده را کلنگ زدن! خیلی چیز خطرناکی بود. خب، الحمدلله اینها جلوی گرفته شد.^{۳۴}

^{۲۶} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۶/۱۳۸۵/۰۶/۰۶

^{۲۷} بیانات معظم له در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت به مناسبت هفته دولت ۴/۰۶/۱۳۸۶

^{۲۸} بیانات معظم له در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت به مناسبت هفته دولت ۴/۰۶/۱۳۸۶

^{۲۹} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت ۲/۰۶/۱۳۸۷

^{۳۰} بیانات معظم له در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت به مناسبت هفته دولت ۴/۰۶/۱۳۸۶

^{۳۱} بیانات معظم له در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت به مناسبت هفته دولت ۴/۰۶/۱۳۸۶

^{۳۲} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت ۲/۰۶/۱۳۸۷

^{۳۳} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت ۲/۰۶/۱۳۸۷

^{۳۴} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت ۲/۰۶/۱۳۸۷

روحیه تهاجمی در مقابل زورگویان بین المللی

روحیه تهاجمی در مقابله با زورگویان بین المللی. یک وقت هست که زورگویان بین المللی می آیند و میگویند که آقا شما فلان کار را کرده اید و ما رفع و رجوع میکنیم و نه والله، نه بالله...؛ ولی یک وقت هست که تهاجمش، تهاجم زورگویانه است؛ بهترین دفاع در چنین مواقعی هجوم است. زورگویان بین المللی، نقاط ضعف زیادی دارند: جنایت میکنند، فساد میکنند، به حقوق بشر تجاوز میکنند، به حقوق ملتها تعدی میکنند، انسانها را لگدمال میکنند و همه ی کارهای زشت را انجام میدهند؛ آخر هم طلبگار همه اند! خب، نقاط ضعفشان، با حالت تهاجمی و با حالت طلبگاری، گفته و بیان بشود. اینجور نیست که ما برای تهاجمات سیاسی بین المللی، بخواهیم پاسخ پیدا کنیم. یک وقتی از بنده - سالهای اوایل - می پرسیدند که آقا، شما در مقابل این حرف چه جوابی دارید؟ میگفتم ما جواب نداریم؛ ما ادعا داریم و مدعی اینها هستیم؛ در قضیه ی زن مدعی هستیم؛ در قضیه ی حقوق بشر مدعی هستیم؛ در قضایای حقوق اساسی انسانها مدعی هستیم. ما مدعی اینها هستیم؛ ما در مقام پاسخگویی نیستیم. چرا باید سوال بکنند تا کسی مجبور باشد پاسخ بدهد؟ آنها بیجا میکنند سؤال و ادعا میکنند. این روحیه، روحیه ی خوبی است؛ روحیه ی انقلاب این است؛ این است که حقیقت را روشن و درخشان میکند.^{۳۵}

عدم انفعال در برابر استکبار

این ایستادگی در مقابل زیاده خواهی استکبار و احساس عزتی که در این میدان میشود، به نظر من یکی از خصوصیات این دولت است. اینها خصوصیتی است که بحمدالله هست.^{۳۶}

اعاده عزت ملی

مسئله ی اعاده ی عزت ملی و ترک انفعال در مقابل سلطه و تجاوز و زیاده طلبی سیاستهای دیگران و ترک شرمندگی در مقابل غرب و غربزدگی را هم انسان در این دولت احساس میکند؛ عزت ملی و استقلال حقیقی و معنوی از اینجا حاصل میشود.^{۳۷}

^{۳۵} دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت ۰۲/۰۶/۱۳۸۷

^{۳۶} بیانات معظم له در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت به مناسبت هفته دولت ۰۴/۰۶/۱۳۸۶

^{۳۷} دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت ۰۲/۰۶/۱۳۸۷

۴- ویژگی های مردمی بودن دولت

ساده زیستی

«ساده‌زیستی و مردم‌گرایی» شاخصه‌ی دیگری است که بحمدالله دارید.^{۳۸}

ساده‌زیستی - بخصوص در خود آقای رئیس‌جمهور - خوب و برجسته است و چیز باارزشی است؛ در مسئولین هم - کما بیش؛ یک جایی کمتر، یک جایی بیشتر - بحمدالله هست. ساده‌زیستی چیز بسیار باارزشی است.^{۳۹}

تواضع

«تواضع و نغلتیدن در گرداب غرور» هم یکی از شاخصه‌هایی است که لازمه‌ی اصولگرایی است؛ ما در معرض این هستیم. ببینید عزیزان! شماها در موضع بالایی قرار دارید و مورد احترامید؛ افراد پیش شما می‌آیند و تعریف و تمجید میکنند - بعضی از روی اعتقاد، بعضی بدون اعتقاد - برای اینکه شما خوشتان بیاید. ما خودمان باید مواظب باشیم حرفهایی که در تمجید و ستایش ما می‌زنند، اینها را باور نکنیم. ما باید به درون خودمان نگاه کنیم: «الانسان علی نفسه بصیره»؛ نقصها، مشکلات و کمبودهایمان را نگاه کنیم و فریب نخوریم. این فریب خوردن، انسان را در دام و گرداب غرور می‌اندازد. اگر انسان خودش را بد برآورد کرد، آن وقت دیگر نجات پیدا نمیکند.^{۴۰}

انتشار و انعکاس گزارش ها

یک نکته‌ی دیگر هم کارهای خوبی است که در زمینه‌ی اقتصاد انجام گرفته - مثل این سهام عدالت، ادامه‌ی طرحهای نیمه تمام، نوع عدالت در ارائه‌ی تسهیلات بانکی، صندوق مهر رضا و امثال اینها - محتوا و فواید این کارها را با شکل صحیح برای مردم بیان کنید تا معلوم شود این کارها انجام گرفته است. البته ما بارها گفته‌ایم آمدن و نشستن و پشت میکروفون یا جلوی دوربین حرف زدن، این کافی نیست؛ یک مقداری برنامه‌سازی و ارائه‌ی مطلب، به شکل هنرمندانه لازم است.^{۴۱}

سفرهای استانی(ارتباط با مردم)

در رساندن خدمت به افراد محروم جامعه و عدالت، به اعتقاد این مسئله‌ی سفرهای استانی خیلی مهم است. این کاری که آقایان بر دوش گرفتید و راه افتادید و رفتید و همه‌جای کشور را زیر پا گذاشتید و با مردم تماس گرفتید و از نزدیک درد دل‌های مردم را - که از زبان مسؤولینشان، ائمه‌ی جمعه‌شان و افراد شاخصشان گفته میشود - شنیدید، خیلی به نظر من خوب است. بنده خود سالهاست در مسائل اجرائی و غیر اجرائی این کشور هستم؛ اما وقتی به یک منطقه‌ای مسافرت میکنم و برمیکردم، معلومات من نسبت به آن منطقه چند برابر معلوماتی میشود که انسان از روی کاغذ و در گزارشها و به‌طور کلی میبیند. رفتن به سفر و مواجه شدن با واقعیت‌های زندگی مردم، خیلی چیز مهمی است. چطور ممکن است کسی این را انکار کند یا درباره‌اش تردید کند یا در فائده و سود او تشکیک کند؟ این خیلی کار مهمی است. این کار را شماها دارید انجام میدهید. البته زحمت هم دارد؛ زحمتش را هم قبول میکنید.^{۴۲}

خاکی و مردمی بودن دولت

...این را قدر بدانید. شما امتیازتان به تشخیص ظاهری و شکل و قیافه نیست؛ امتیازتان به همین است که خودتان را با مردم هم‌سطح کنید، به شکل مردم و در میان مردم باشید، با مردم تماس بگیرید، با آنها انس پیدا کنید، از آنها بشنوید. این امتیاز بزرگی است و در شما هست؛ آن را حفظ کنید و نگه دارید.^{۴۳}

اعتماد مردم به دولت

مردم به دولت اعتماد دارند؛ دولت، خود را جزو مردم و از جنس مردم میدانند و می‌شمارند؛ از لحاظ انعکاس بین‌المللی، کشور از یک عزت کم‌سابقه یا بیسابقه‌ای برخوردار است؛ ابهت نظام اسلامی، عظمت ملت ایران، رسایی و شفافیت اغراض و اهداف جمهوری اسلامی در دنیای اسلام، بیش از همیشه است؛ و حتی در

^{۳۸} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۰۶/۰۶/۱۳۸۵

^{۳۹} دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت ۰۲/۰۶/۱۳۸۷

^{۴۰} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۰۶/۰۶/۱۳۸۵

^{۴۱} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۰۶/۰۶/۱۳۸۵

^{۴۲} بیانات معظم له در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت به مناسبت هفته دولت ۰۴/۰۶/۱۳۸۶

^{۴۳} دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت ۰۲/۰۶/۱۳۸۷

دنیای غیر مسلمان، امروز عزت و ابهت ملت ما بسیار برجسته است و این را همه تصدیق میکنند و از نشانه‌ها و عکس‌العملهای خارج‌یاش هم این را می‌فهمیم. به هر حال، فرصت بسیار مهمی است.^{۴۴}

امید دادن به مردم

شما هم دولتی هستید که این دو خصوصیت را جزو شعارها و برنامه‌های عملکرد خودتان قرار داده‌اید؛ هم به مردم امید می‌دهید، هم وعده‌ی عدالت می‌دهید. همان امید هم به خاطر این است که شما پرچم عدالت را بلند کرده‌اید و دم از عدالت می‌زنید. حقیقتاً هم خلاً امروز دنیا، بیش از همه چیز خلاً عدالت است. در کشور و جامعه‌ی خود ما هم بیشترین چیزی که این جامعه تشنه‌ی اوست، عبارت است از عدالت.^{۴۵}

^{۴۴} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۰۶/۰۶/۱۳۸۵

^{۴۵} بیانات معظم له در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت به مناسبت هفته دولت ۰۴/۰۶/۱۳۸۶

ج) انتظارات و توصیه ها به دولت

۱- دولت و توجه به سیاست های اصلی نظام

توجه به سند چشم انداز

نکته‌ی بعدی توجه دائم به سند چشم‌انداز است. این سند چشم‌انداز، مسئله‌ی مهمی است. نباید هم تصور شود که این سند یا سیاست‌های کلی را کسانی نشسته‌اند و دارند تنظیم میکنند؛ نه. درست است که اینها یک فرایندی دارد و از یک جاهایی شروع میشود؛ لیکن آن کسی که در این زمینه کار و فکر میکند و تصمیم میگیرد، خود رهبری است؛ این سیاستها، سیاستهای رهبری است. اینها چیزهایی است که با توجه به همه‌ی جوانب ملاحظه شده و این سند چشم‌انداز درآمده است و بر اساس سیاستهای کلیای که در این مدت وجود داشته، اعلام شده است. اینها باید در برنامه‌ها رعایت شود و نباید تخلف شود^{۴۶}

سفارش اول ما مسأله‌ی «سند چشم‌انداز» است. در گزارش آقای رئیس‌جمهور یک جمله‌ی کوتاهی گفته شد و اسم سند چشم‌انداز آمد؛ لکن این کافی نیست. سند چشم‌انداز، یک مسأله‌ی فرادولتی است؛...^{۴۷}

توصیه‌ی سوم؛ جهتگیری‌های برنامه‌ای و کاری دولت را با شاخص سند چشم‌انداز بسنجید. این سند چشم‌انداز چیز مهمی است؛ این را دست‌کم نباید گرفت. شاید بتوان گفت که بعد از قانون اساسی، ما هیچ سندی را در کشور به این اهمیت نداریم. یک نگاه کلان و بلندمدت است.^{۴۸}

برنامه ریزی با توجه به سند چشم انداز^{۴۹}

توجه به سیاست های اصل ۴۴

...یعنی حقیقتاً این خط غلطی که در سالهایی از اوائل انقلاب به ناحق در امر اقتصاد کشیده شده و همینطور هم ادامه پیدا کرده، این خط را کور کنید و به خط درست بروید! این با مسئله‌ی عدالت‌خواهی و آن چیزی که ما در سیاستهای اصل ۴۴ ذکر کردیم، هیچ منافاتی هم ندارد؛ یعنی مسئله‌ی عدالت‌خواهی را حتماً در نظر بگیرید؛ منتها اقتصاد کشور باید شکوفا بشود؛ نیروهای مردمی باید به میدان اقتصاد بیایند و کار کنند؛ این هم با حرف و گفتن عملی نمیشود، عمل و اقدام لازم دارد و باید حس بشود.^{۵۰}

یک نکته‌ی دیگر مسئله‌ی سیاستهای اصل ۴۴ است. خب، همه اعتراف دارند که سیاستهای اصل ۴۴ اگر اجرائی بشود، یک تحول در پیشرفت کشور - در زمینه‌های اقتصادی و به تبع او در زمینه‌های دیگر - بوجود می‌آید. این هم مسئله‌ی بسیار مهمی است.

توجه به دهه پیشرفت و عدالت

...همین گزارشهایی که دادند، گزارشهای خوبی است؛ نشان‌دهنده‌ی پیشرفتهائی در بخشهای مختلف است؛ لیکن عدالت چه جوری تأمین میشود؟ یعنی واقعاً یک مقیاسی لازم است، یک معیاری لازم است برای اینکه ببینیم عدالت در بخشهای مختلف - بخشهای فرهنگی، بخشهای آموزشی، بخشهای اقتصادی - مراعات شده یا نه؟ فرض کنید در بخش آموزش و پرورش یا در بخش آموزش عالی، معیار عدالت چیست؟ چگونه عدالت تأمین میشود؟ این باید مشخص شود تا بتوانیم آن معیار را در برنامه‌ریزی‌ها داخل کنیم و در مقام عمل و در مقام اجراء، به آن عدالت مورد نظر برسیم^{۵۱}

توجه به برنامه پنج ساله^{۵۲}

^{۴۶} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۰۶/۰۶/۱۳۸۵

^{۴۷} بیانات معظم له در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت به مناسبت هفته دولت ۰۴/۰۶/۱۳۸۶

^{۴۸} بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۸/۶/۱۸

^{۴۹} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری دکتر محمود احمدی نژاد ۱۲/۰۵/۱۳۸۴

^{۵۰} بیانات معظم له در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت به مناسبت هفته دولت ۰۴/۰۶/۱۳۸۶

^{۵۱} بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۹/۶/۸

^{۵۲} بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۹/۶/۸

تعامل با قوای دیگر

تعامل با دو قوه‌ی دیگر هم یکی از این توصیه‌هاست. تعامل با مجلس و تعامل با قوه‌ی قضائیه، کار لازمی است؛ این را مطلقاً نباید ندیده گرفت. البته ممکن است در این راه تلخیها و مشکلاتی وجود داشته باشد؛ ولی باید تحمل کرد؛ بهتر است^{۵۳}

.... هرچه میتوانید، در آن جاهائی که میشود کوتاه آمد، کوتاه بیایید؛ چه اشکالی دارد؟ آنجائی که میشود تبیین کرد، تبیین کنید. آنجائی که میشود با ایجاد ارتباطات دوستانه، مسئله را حل کرد، اینجوری حل کنید. چرا من اینقدر بر تشکیل جلسه‌ی رؤسای قوا اصرار میکنم؟ وقتی که جلسه‌ی رؤسای قوا تشکیل بشود، خیلی از این مشکلات حل میشود. در جلسات روبه‌رو، با همدیگر می‌نشینند حرف می‌زنند^{۵۴}

مسئله‌ی وحدت و انسجام ملی هم به نظر من چیز خیلی مهمی است؛ که ما حالا اینقدر این قضیه را تکرار کردیم که کانه الفاظ دارد خاصیت‌های خودش را در افاده‌ی معنا از دست میدهد! ما باید همه یک حرف بزنیم. مسئولین باید جهتگیری‌ها را دقیق و منطبق بر یکدیگر قرار بدهند؛ این به عهده‌ی همه است. تقصیرها را هم گردن یکدیگر نیندازیم. اینکه بگوئیم آقا ما میخواهیم فلان کار را بکنیم، نمیگذارند؛ یا فلان کار را کردیم، جلوی‌ش را گرفتند؛ یا فلان تصمیم را گرفتیم، اقدام نکردند، انجام ندادند - که قوای مختلف و بخشهای مختلف به همدیگر بگویند - این را کسی قبول نمیکند. بالاخره حوزه‌های مسئولیت، مشخص است؛ یکی باید قانون بگذارد، یکی باید اجرا کند، یکی سیاستها را تنظیم کند، یکی عملیاتی کند. همه باید با هم هماهنگ عمل کنند. ما نباید تعامل قوا با یکدیگر را دست کم بگیریم^{۵۵}

تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت^{۵۶}

رعایت قانون

یکی مسأله‌ی رعایت قوانین است. قانون را اهمیت بدهید. قانون - وقتی که با ساز و کار قانون اساسی پیش رفت - حتمیت و جزمیت پیدا میکند. ممکن است همان مجلس یا دولت یا دیگران مقدماتی فراهم کنند که آن قانون عوض بشود - با طرحهایی که در مجلس می‌آید، با لویجی که دولت میدهد، با تصمیم‌سازیهایی که در بخشهای مختلف انجام میگیرد - عیبی ندارد؛ اگر قانون نقص دارد، ضعف دارد و غلط است، عوض بشود؛ اما تا مادامی که قانون، قانون است، حتماً بایستی به آن عمل بشود و به آن اهمیت داده بشود. من این را تأکید میکنم. در بخشهای مختلف همین جور است. ممکن است یک چیزی را شما معتقد باشید که روال قانونیاش درست طی نشده، یا متصدی این کار قوه‌ی مجریه نیست؛ وقتی که قانون مجلس - با همان ساز و کار قانون اساسی - به دولت ابلاغ شد، قوه‌ی مجریه باید آن را قانون بداند. حالا اگر چنانچه ضعف یا چیز دیگری وجود دارد، عوامل دیگری وجود دارد که اگر قانون مشکلاتی دارد، بایستی آن را از بین ببرند؛ چه در خود مجلس، چه در شورای نگهبان و از این قبیل. به قانون اهمیت بدهید.^{۵۷}

تاکید بر عزت ملی^{۵۸}

^{۵۳} دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت ۰۲/۰۶/۱۳۸۷

^{۵۴} بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت ۱۳۹۰/۰۶/۰۶

^{۵۵} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۰۶/۰۶/۱۳۹۱

^{۵۶} بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۸/۰۶/۱۸

^{۵۷} دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت ۰۲/۰۶/۱۳۸۷

^{۵۸} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار رئیس‌جمهور و هیأت وزیران ۰۸/۰۶/۱۳۸۴

توجه به مقوله فرهنگ

آنچه که من لازم میدانم به دوستان دولت توصیه کنم، این است که مسئله‌ی فرهنگ را خیلی جدی بگیرید. اگر چنانچه ما کارهای اقتصادی را - همچنان که در برنامه هست و آرزوهای ما متوجه به آن است - انجام بدهیم، اما در زمینه‌ی کار فرهنگی عقب بمانیم، بدانید کشور لطمه خواهد دید. دشمنان ما یکی از چشمه‌های دشمنی‌شان کار اقتصادی است؛ یک چشمه‌ی مهم دیگر، کار فرهنگی است. البته نه وقت و نه ظرفیت جلسه اجازه نمیدهد که انسان در این زمینه وارد بشود؛ لیکن فی‌الجمله دوستان توجه داشته باشند که کار فرهنگ، کار بسیار مهمی است؛ با ملاحظه‌ی جهتگیری‌های انقلابی و اسلامی. در زمینه‌ی فرهنگ، دچار رودربایستی نشوید. در همه‌ی شعبه‌های فرهنگی - چه در موضوع کتاب، چه در کارهای هنری، چه در مؤسسات فرهنگی - جهتگیری‌ها را انقلابی و اسلامی قرار بدهید. اولویتها را در اینجا هم ملاحظه کنید، چون منابع بالاخره محدود است.^{۵۹}

...به کارهای سطحی نباید اکتفاء کرد. به کارهای عمیق‌تر، کارهای بنیانی‌تر، کارهایی که از یکی‌شان دهها کار صادر میشود و نشست میگیرد، توجه کنید. من یک وقتی نسخه‌ای از آن کارهای عمیق لازم را به آقای رئیس‌جمهور دادم؛ همانها باید دنبال شود و باید دنبال میشد. در باب فرهنگ باید شدت مراقبت شود که ما به «فرهنگ مهاجم» کمک نکنیم. فرهنگ مهاجم خطرناک است. اگر ما فرهنگ عمومی کشور و فرهنگی که نخبگان و مردم و قشرهای گوناگون را به سمت یک هدفی هدایت میکند، نتوانیم از آسیب دشمن محفوظ بداریم، کار خیلی مشکل خواهد شد؛ هرچه هم شما تصمیم بگیرید، اینها می‌آیند خرابش میکنند و جور دیگری منعکس خواهد شد.^{۶۰}

^{۵۹} بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت ۱۳۹۰/۶/۶

^{۶۰} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۹۱/۶/۰۶

۳- دولت و مسایل مدیریتی

اولویت بندی کردن کارها^{۶۱}

هم افزایی هیات وزیران

چند تا مسئله‌ی اساسی در اینجا هست. یکی اینکه هیئت وزیران بایستی به هم‌افزایی دستگاه‌ها کمک کند...^{۶۲}.

تبیین تمرکز زدایی مورد نظر دولت

یک مسئله هم تمرکز زدایی است که جزو شعارهای این دولت است و شعار بسیار درستی هم هست؛ منتها مشخص کنید این تمرکز زدایی چطوری است؛ مدل مشخصی لازم دارد. باید بالاخره به خصوصیات اقلیمی و قومی استانهای مختلف کشور توجه شود؛ طبق مسئله‌ی آمایش سرزمین، چه کارهایی را میخواهید به این منطقه‌ی بخصوص محول کنید؟ ممکن است بر اساس طرح آمایش سرزمین، این کار اصلاً در این منطقه مصلحت نباشد...^{۶۳}

تصدی گری دولت در امور حاکمیتی و عدم تصدی در امور غیر حاکمیتی

...باید حتماً تا آنجایی که میتوانید، در غیر وظایف حکومتی و حاکمیتی، از تصدیگری دولت اجتناب کنید؛ بگذارید کار دست مردم باشد. حالا در این مسئله‌ی اصل چهل و چهار - به اصطلاح این مصوبه‌ای که به عنوان تفسیر و بیان اصل چهل و چهار ارائه شد - بند «ج» آن حالا محل بحث و کلام و ابلاغ است - ... جلوگیری از ورود دولت در سرمایه‌گذاریهای جدید و تصدیگریهای جدید است؛ نه اینکه دست دولت را به کلی کوتاه کنیم؛ اما یک حدودی در آنها مشخص شده است. به این توجه کنید.^{۶۴}

تشویق کارگزاران نمونه

از نظرات افراد دلسوز در این داوری حتماً استفاده کنید. آن کسانی را که دچار ضعف یا عملکرد نامطلوب هستند^{۶۵}

تلاش و کار مداوم^{۶۶}

تمرکز در تصمیم‌گیری

یک حرفی اینجا گفته شد، قبلاً هم با من مطرح شده، که تمرکز در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی قوه‌ی مجریه لازم است. البته من این را کاملاً قبول دارم؛ یعنی بلاشک در تصمیم‌گیری‌های کلان، در مسائل اساسی - که فعلاً اساسی‌تر از همه، مسائل اقتصادی است؛ و بخصوص آنچه که مربوط به معیشت مردم است و فشارهایی که دشمن میخواهد بر مردم وارد کند - باید تمرکز در تصمیم‌گیری باشد؛ منتها توجه کنید که این تمرکز در تصمیم‌گیری، معنایش تمرکز تصمیم‌گیری در دولت است؛ یعنی همه‌ی افرادی که در بخشهای مختلف دولت با آقای رئیس‌جمهور همکاری میکنند، باید مسئولیت مشترک احساس کنند - یعنی هماهنگی کنند - در دولت، همه با هم تصمیم بگیرند. در این زمینه، مسئله‌ی مسئولیت مشترک را واقعاً باید در دولت جدی گرفت. هر کاری که یک وزارتخانه‌ای انجام میدهد، همه‌ی وزرا و مسئولینی که دور میز هیئت دولت می‌نشینند، باید احساس کنند که در این تصمیم‌گیری یا در این اقدام، سهیم و شریکند. اگر این شد، آن وقت کارها با هماهنگی پیش میرود؛ نه اختلاف در عملکرد، نه اختلاف در فهم مسائل، نه اختلاف در آمارها، پیش نمی‌آید.^{۶۷}

^{۶۱} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۰۶/۰۶/۱۳۸۵

^{۶۲} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۹/۶/۸

^{۶۳} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۰۶/۰۶/۱۳۸۵

^{۶۴} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۰۶/۰۶/۱۳۸۵

^{۶۵} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۰۶/۰۶/۱۳۸۵

^{۶۶} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری دکتر محمود احمدی نژاد ۱۲/۰۵/۱۳۸۴

^{۶۷} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۰۶/۰۶/۱۳۹۱

در آخر سال با روحیه اول سال کار کنید

یکی اینکه در این سال آخر با روحیه‌ی سال اول کار کنید. البته احساس میکنم همین جور است؛ اما در عین حال تأکید میکنم. فکر نکنید که امسال، سال آخر دولت است؛ نه. مثل کسی که پنج سال دیگر بناست کار بکند، کار بکنید؛ یعنی تصور کنید که این یک سال به اضافه‌ی چهار سال دیگر در ید مدیریت شماست. با این دید نگاه کنید و کار کنید و برنامه‌ریزی کنید و اقدام کنید. این یک.^{۶۸}

اولویت به کارهای نیمه تمام دادن^{۶۹}

دقت و تدبیر در امور در عین سرعت داشتن^{۷۰}

شایسته‌سالی در امور

یک جمله‌ی دیگر از این نامه‌ی مبارک این است: «ثم انظر فی امور عمّالک»؛ کارها و امور کارگزاران خودت را مورد توجه قرار بده. اول، انتخاب کارگزاران است؛ «فاستعملهم اختیاراً»؛ با آزمایش آنها را انتخاب کن؛ یعنی نگاه کن بین چه کسی شایسته‌تر است. همین شایسته‌سالاری که امروز بر زبان ماها تکرار میشود، به معنای واقعی کلمه باید مورد توجه باشد. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) هم در این‌جا به آن سفارش میکنند. «و لا تولهم محاباة و اثره»؛ نه از روی دوستی و رفاقت کسی را انتخاب کن، که ملاکها را در او رعایت نکنی - فقط چون رفیق ماست، انتخابش میکنیم - نه از روی استبداد و خودکامگی؛ انسان بگوید میخواهم این فرد باشد؛ بدون این که ملاک و معیاری را رعایت کند یا با اهل فکر و نظر مشورت کند.^{۷۱}

نظارت بر کارگزاران

نظارت بر زیرمجموعه هم خیلی مهم است. من اصرار و تأکید دارم که شما دوستان عزیز - که مسئولان بالا و مدیران ارشد هستید - مسأله‌ی نظارت بر زیرمجموعه‌ی خودتان را بسیار اهمیت بدهید. چشمهای بینا و بصیر و باز شماست که وقتی در دائره‌ی مسئولیتان میچرخد، میتواند صحت کار و پیشرفت کار را تضمین کند.

...خود آقای رئیس‌جمهور هم همین جور. البته نظارت رئیس‌جمهور نسبت به وزرا، با استقلال وزرا در کارشان نباید تنافی پیدا کند. چون وزرا مسئولیت قانونی دارند و از مجلس رأی اعتماد گرفته‌اند و باید استقلال داشته باشند. لیکن این نظارت حتی در مورد وزرا هم وجود دارد. استقلال عمل آنها محفوظ، اما نظارت رئیس‌جمهور هم با شدت تمام بایستی انجام بگیرد. یکی هم این است.^{۷۲}

در انتصابات معیار خدایی در نظر داشته باشیم^{۷۳}

شتابزدگی نداشتن

در طرحهای اقتصادی مراقب باشیم - این، دنباله‌ی همین مسئله‌ی حل مشکلات اقتصادی مردم است - که شتابزدگی گریبانگیر دولت نشود. شتابزدگی در تصمیم‌گیری‌ها یا احياناً عدم بهره‌گیری مناسب از نظرات کارشناسی اقتصادی، ممکن است ضربه‌هایی وارد کند. البته ادعای دولت این نیست^{۷۴}

سالم سازی دستگاه دولت

از جمله کارهایی که طبق تجربه‌ی ما واقعاً سخت است، سالم‌سازی این دستگاه عظیم اداری و دیوانی و به اصطلاح بوروکراسی است که در کشور وجود دارد. اگر بتوانید این مشکل را یک طوری حل و علاج کنید، حقیقتاً کار کارستانی انجام داده‌اید و خیلی بالرش است.^{۷۵}

غفلت نکردن از برنامه ریزی بلند مدت داشتن^{۷۶}

^{۶۸} دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۷/۰۶/۰۲

^{۶۹} بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت ۱۳۹۰/۰۶/۰۶

^{۷۰} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۵/۰۶/۰۶

^{۷۱} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۴/۰۷/۱۷

^{۷۲} دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۷/۰۶/۰۲

^{۷۳} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار رئیس‌جمهور و هیأت وزیران ۱۳۸۴/۰۶/۰۸

^{۷۴} بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۸/۰۶/۱۸

^{۷۵} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۵/۰۶/۰۶

خود را پاسخگو دانستن

... یعنی هم در برابر خطایی که انجام میگیرد، واقعاً پاسخگو باشند؛ هم در برابر کار لازمی که باید انجام میگرفته و انجام نمیگیرد، پاسخگو باشند.^{۷۷}

بزرگنمایی نکردن کارها

«او التزید فیما کان من فعلک»؛ کارهایی را که انجام داده‌اید، بزرگنمایی نکنید. گاهی انسان کاری را انجام میدهد، بعد در ستایش آن کار خیلی مبالغه میکند؛ چندین برابر آنچه حقیقت کار است.^{۷۸}

کار جمعی و هماهنگ انجام دادن

توصیه‌ی دیگر، کار جمعی و متوازن است. از جمله چیزهایی که ما همیشه در طول این چند سال توصیه کرده‌ایم و صورت هم نگرفته است و تا همین آخر هم مسؤولان دولتی به ما شکایت کردند، عدم همکاری در بخش‌های مختلف و در جاهای حساس است؛ مثلاً بخش‌های اقتصادی ما با وزارت خارجه‌ی ما. وزرای خارجه - چه زمان آقای دکتر ولایتی، چه زمان آقای دکتر خرازی - همیشه به من شکایت میکردند که ما با فلان کشور در زمینه‌ی سیاسی مشکلی داریم، که این مشکل را میتوان با یک کار اقتصادی و با محاسبه حل کرد؛ ولی دستان خالی است.^{۷۹}

^{۷۶} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۰۶/۰۶/۱۳۸۵.

^{۷۷} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار رئیس‌جمهور و هیأت وزیران ۰۸/۰۶/۱۳۸۴.

^{۷۸} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای هیأت دولت ۱۷/۰۷/۱۳۸۴.

^{۷۹} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار رئیس‌جمهور و هیأت وزیران ۰۸/۰۶/۱۳۸۴.

مهاری تورم و گرانی‌ها (تسهیل زندگی مردم)

یک مسئله هم که باز یک مسئله‌ی موردی است که می‌خواهم عرض بکنم، مسئله‌ی این گرانی‌هاست؛ این را واقعاً فکری برایش بکنید. گرانی‌ها - بخصوص در مسئله‌ی مسکن و برخی از کالاها - واقعاً وجود دارد و به مردم فشار می‌آورد. البته حل مسئله‌ی گرانی، یک کار ریشه‌ای است. بدیهی است که مهاری تورم، یک کار علمی، ریشه‌ای و بنیانی است که مقدمات و اصولی دارد و تا آن اصول انجام نگیرد، خواهد بود؛ منتها کارهای ضربتی هم باید انجام داد. بالاخره نمیشود نشست تا این کارهای بنیانی، یک روزی به نتیجه برسد؛ نه، واقعاً یک فکری بکنید؛ کاری بکنید... البته این را هم بگوییم که در گرانی، هم عوامل واقعی و هم عوامل کاذب و روانی دخالت دارند؛ گاهی یک کلمه حرف و یک تصمیم نادرست و نسنجیده، ناگهان این موج گرانی را تحریک میکند و تورم را در بخشهای مختلف بالا میبرد و انتظاراتی را به وجود می‌آورد که امیدواریم ان‌شاءالله این را هم بتوانند آقایان دنبال کنند.^{۸۰}

دولت بایستی جوری برنامه‌ریزی کند که از ناحیه‌ی دولت، فشار تورمی روی مردم زیاد نشود. حالا یک وقت از ناحیه‌ی بیرون است، یک وقت از ناحیه‌ی بعضی از قوانین است. حالا مسئله‌ی خدمات را مطرح کردند. خوب، خیلی از خدمات به وسیله‌ی دولت انجام میگیرد؛ بسیاری از این خدماتی که می‌گوئید سهمش در تورم از سی درصد رسیده به هفتاد درصد، این خدمات را خود دولت دارد انجام میدهد. بنابراین، سهم خودتان را در ایجاد فشار تورمی کم کنید؛ هر چه که ممکن است. این جزو کارهای اساسی و مهم است.^{۸۱}

یکی از چیزهایی که در جهتگیری‌های کلی دولت باید مورد نظر باشد، تسهیل زندگی برای مردم است. زندگی کردن را برای مردم باید آسان کرد. این یک سرفصل مهم است که اگر چنانچه انسان این را باز کند، خواهیم دید که بسیاری از خواسته‌های اقتصادی، بسیاری از کارکردهای مربوط به دولت، همین دولت الکترونیک، تا برسیم به مسئله‌ی فعال کردن روستاها، جلوگیری از مهاجرت، اینها همه‌اش تحت همین عنوان آسان کردن زندگی برای مردم است، که مردم بتوانند راحت زندگی کنند، بتوانند با امنیت زندگی کنند. این کار در بخشهای مختلف تأثیر می‌گذارد.^{۸۲}

مسائل گوناگونی مطرح میشود. توصیه‌ی من این است که در زمینه‌ی علاقه‌ی به ایران، علاقه‌ی به کشور و گرایش به ایران، چند نکته را توجه داشته باشید. یکی اینکه مهمترین بخش مربوط به کشور، زبان و ادبیات است. علاقه‌ی به ایران، اینجوری تحقق پیدا میکند. ما در کشور زبانهای مختلفی داریم؛ اما زبان ملی، فارسی است. آن کسانی که زبانهای مختلف دارند، خودشان جزو مروجین درجه‌ی یک زبان فارسی هستند. بهترین مقالات را در زمینه‌ی زبان فارسی، ترک‌زبانها نوشتند؛ این را من از روی اطلاع دارم عرض میکنم... (۱) ان‌شاءالله کردها هم مینویسند؛ حرفی نیست، ما استقبال میکنیم. محققین برجسته‌ی ترک‌زبان کشور، در طول دهه‌های گذشته، بهترین و قوی‌ترین مقالات را در زمینه‌ی زبان فارسی نوشتند. بنابراین نباید تصور شود که زبان فارسی نماد ملیت ایران نیست؛ چرا، هست. روی این موضوع تکیه شود.

یا روی ایران بعد از اسلام تکیه شود. افتخاراتی که ایران دوره‌ی اسلامی دارد، در هیچ دوره‌ی دیگری از دوره‌های تاریخی ما این افتخارات وجود ندارد؛ من این را با استدلال به شما عرض میکنم و این قابل اثبات است.^{۸۳}

مبارزه با فساد

الان خوشبختانه رویکرد دولت و آقای رئیس‌جمهور طوری بوده که کسانی که تمایل به فساد دارند، مرعوبند؛ اما اگر کار صحیح و واقعی انجام نگیرد، کم‌کم این رعب شکسته میشود و این ابهت از بین میرود؛ میل به فساد در یک جاهایی وجود دارد. با فساد و تخلفات مالی بیمحابا برخورد کنید. البته عرض کردیم بیمحابا و با شجاعت و قاطعیت برخورد کردن، معنایش بیداریتی در نوع برخورد نیست؛ اینها را باید با هم جمع کنید. هر دو طرف این کفه‌ی متوازن بایستی دیده بشود.^{۸۴}

گسترش بخش خصوصی

در بعضی از موارد، من از خود مسئولین کشور می‌شنوم که بخش خصوصی به خاطر کم‌توانی‌اش جلو نمی‌آید. خوب، باید فکری بکنید برای اینکه به بخش خصوصی توانبخشی بشود؛ حالا از طریق بانکهاست، از طریق قوانین لازم و مقررات لازم است؛ از هر طریقی که لازم است، کاری کنید که بخش خصوصی، بخش مردمی، فعال شود. بالاخره اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم

^{۸۰} بیانات معظم له در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت به مناسبت هفته دولت ۱۳۸۶/۰۶/۰۴

^{۸۱} بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۸/۰۶/۱۸

^{۸۲} بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۹/۰۶/۰۸

^{۸۳} بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت ۱۳۹۰/۰۶/۰۶

^{۸۴} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۵/۰۶/۰۶

آسیب‌پذیری‌اش کاهش پیدا کند. یعنی وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی جوری باشد که در مقابل ترندهای دشمنان که همیشگی و به شکلهای مختلف خواهد بود، کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند. یکی از شرایطش، استفاده از همه‌ی ظرفیتهای دولتی و مردمی است؛ هم از فکرها و اندیشه‌ها و راهکارهایی که صاحب‌نظران می‌دهند، استفاده کنید، هم از سرمایه‌ها استفاده شود.^{۸۵}

بی حساب و کتاب نبودن در مسایل اقتصادی

در مسائل اقتصادی از بی حساب و کتابی خیلی باید ترسید. البته بی حساب و کتابی در همه جا بد است، اما در مسائل اقتصادی آثارش خیلی زود بروز میکند و گاهی اثرات سنگینی را میگذارد...^{۸۶}

مدیریت منابع ارزی

...حالا اشاره شد به ارز پایه؛ در این زمینه هم حرفهای گوناگونی از دولت صادر شد. یعنی در روزنامه‌ها از قول یک مسئول، یک جور گفته شد؛ فردا یا دو روز بعد، یک جور دیگر گفته شد. نگذارید این اتفاق بیفتد. واقعاً یک تصمیم قاطع گرفته شود، روی آن تصمیم پافشاری شود و مسئله را دنبال کنید. به هر حال منابع ارزی باید مدیریت دقیق بشود.^{۸۷}

مدیریت مصرف

...خب، حالا چگونه باید جلوی اسراف را گرفت؟ فرهنگ‌سازی هم لازم است، اقدام عملی هم لازم است. فرهنگ‌سازی‌اش بیشتر به عهده‌ی رسانه‌هاست. واقعاً در این زمینه، هم صدا و سیما در درجه‌ی اول و بیش از همه مسئولیت دارد، هم دستگاه‌های دیگر مسئولیت دارند. باید فرهنگ‌سازی کنید. ما یک ملت مسلمان علاقه‌مند به مفاهیم اسلامی هستیم، اینقدر در اسلام اسراف منع شده، و ما متأسفانه در زندگی‌مان اهل اسرافیم! بخش عملیاتی‌اش هم به نظر من از خود دولت باید آغاز شود... دولت خودش یک مصرف‌کننده‌ی بسیار بزرگی است. شما از بنزین بگیرید تا وسائل گوناگون، یک مصرف‌کننده‌ی بزرگ، دولت است. حقیقتاً در کار مصرف، صرفه‌جویی کنید.^{۸۸}

اهمیت به مصرف تولیدات داخلی

به در دستگاه شما، در وزارتخانه‌ی شما، اگر کار جدیدی انجام میگیرد، اگر چیز جدیدی خریده میشود، اگر همین اقلام روزمره‌ای که مورد نیاز وزارتخانه است، تهیه میشود، سعی کنید هم‌ماش از داخل باشد؛ اصرار بر این داشته باشید؛ خود این، یک قلم خیلی بزرگی میشود. اصلاً ممنوع کنید و بگوئید هیچ کس حق ندارد در این وزارتخانه جنس خارجی مصرف کند. به نظر من اینها میتواند کمک کند.^{۸۹}

توجه به شاخص های کلان اقتصادی

روی مسئله‌ی نرخ رشد واقعاً کار بشود. آن چیزی که به عنوان نرخ رشد در برنامه یا در چشم‌انداز دیده شده، با آنچه که در واقعیت اتفاق افتاده، خیلی فاصله دارد. البته از عوامل رکود اقتصادی جهانی و مشکلات اقتصادی جهانی غافل نیستیم - اینها مسلماً تأثیر دارد - لیکن بالاخره باید تلاش کرد تا به آن چیزی که به عنوان شاخص معین شده و ذکر شده، نزدیک شویم. مسئله‌ی سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی هم همین طور.

مسئله‌ی اشتغال هم مسئله‌ی مهمی است. طرحهایی که از چند سال پیش به این طرف برای اشتغال پیش‌بینی شده، آنچنان که انسان انتظار داشت، نشد. اگرچه حالا کارهایی انجام گرفت و خوب بود، بد نیست؛ لیکن ما را مستغنی نمیکند از اینکه نسبت به مسئله‌ی اشتغال یک اهتمام ویژه‌ی داشته باشیم. مسئله‌ی ارتقای بهره‌وری هم همین طور.^{۹۰}

حفظ سرمایه های ملی

از پانزده، شانزده سال قبل که این ساخت و سازهای اطراف تهران، به صورت یک حرکت سرطانی آغاز شد، ما همین‌طور مکرر شهردارها - همه‌ی شهردارهایی که در این مدت تا امروز آمده‌اند - را مورد خطاب قرار دادیم و به آنها دائم مطالبی را گفتیم. بعد به این نتیجه رسیدیم که فقط مسئله‌ی

^{۸۵}بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۰۶/۰۶/۱۳۹۱

^{۸۶}بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۸/۶/۱۸

^{۸۷}بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۰۶/۰۶/۱۳۹۱

^{۸۸}بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۰۶/۰۶/۱۳۹۱

^{۸۹}بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۰۶/۰۶/۱۳۹۱

^{۹۰}بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۹/۶/۱۸

شهرداریها نیست. متصدیان منابع طبیعی اینجا تخلفات بزرگی کرده‌اند؛ منابع طبیعی را با سفارش و رفاقت و با ملاحظه و برای جلب حمایت این و آن، همین‌طور بیدریغ در اختیار اشخاص و گروهها و مسئولان و عمامه‌ای و غیرعمامه‌ای و نهادهای انقلابی و ... قرار داده‌اند. یعنی یک ملاحظه و مصلحت کوتاه‌مدت را در نظر گرفته‌اند و دیگر نگاه نکرده‌اند. آدم وقتی به طرف شمال تهران و ارتفاعات می‌رود، واقعاً وحشت میکند؛ یک بخشهایی هست که بنده هر وقت می‌روم، با اینکه محیط حرکت و گردش و تحرک و ورزش است، با اعصاب ناراحت به خانه برمی‌گردم. هر دفعه می‌روم، میبینم باز یک کارهای جدیدی انجام گرفته است. این دولت به طور جدی مسئول است؛ هم وزارت مسکن، هم وزارت کشاورزی - که منابع طبیعی را در اختیار دارد - هم بقیه‌ی دستگاهها و هم از جمله وزارت کشور و شهرداریها. نباید بگذارید این اتفاق بیفتد؛ دارد همه جا اتفاق می‌افتد. انسان در شهرهای مختلف میبیند؛ تهران که جلوی چشم ماست و من به طور متوالی میبینم؛ بعضی جاهای دیگر هم که رفته‌ایم، همین‌طور است. نگذارید این سرمایه‌های ملی را این‌طوری ضایع کنند.^{۹۱}

^{۹۱} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۵/۰۶/۰۶

برخورد درست با منتقدان

البته در کنار علاقه‌مندان به رئیس‌جمهور محترم - که ایشان علاقه‌مندان زیادی در داخل کشور، حتی در خارج از کشور دارند - دو دسته‌ی دیگر هم هستند که باید به اینها توجه کرد؛ یعنی حضور آنها را بایستی محاسبه کرد: یک دسته مخالفان عصبانی و زخم‌خورده هستند. مطمئناً اینها در این دوره‌ی چهارساله، در مقام معارضه‌ی با دولت برخوانند آمد. مخالفت کردند، باز هم مخالفت خواهند کرد. لیکن یک دسته‌ی دیگر هم هستند که اینها جزو نظامند، با رئیس‌جمهور، با نظام هیچ دشمنی‌ای ندارند؛ ممکن است منتقد باشند. این منتقدان را بایستی به حساب آورد؛ نظرات آنها را باید شنید؛ آنچه که قابل فهم است، قابل قبول است، آن را پذیرفت. و من امیدوارم که همین جور عمل بشود و ان‌شاءالله خواهد شد.^{۹۲}

تحرک دیپلماسی و وصل کردن آن با دیگر عرصه‌ها مانند اقتصادی^{۹۳}

رویکردها در سیاست بین‌الملل^{۹۴}

مبارزه با نظام سلطه^{۹۵}

از سخن درشت خیرخواهان نرنجیم

نکته‌ی دوم این که ماها اگر بخواهیم در این جایگاهی که هستیم، از احتمال خطای خودمان کم کنیم، باید از سخن درشت خیرخواهان نرنجیم؛ یکی از راههای سلامت این است. البته بدخواهانی هم هستند که سخن درشت و نرم و همه‌نوع سخنی دارند و از شایعه‌پراکنی و جنگ روانی و دروغ بستن به این و آن واهمه‌ی ندارند و انسان ممکن است در دلش از آنها برنجد؛ اما کسی که میدانید قصد عناد و دشمنی ندارد، ولو با لحن درشتی هم حرف میزند، از او نباید واقعاً برنجید. به سخن نرم و دلنشین چاپلوسان هم دل نسپرید. اگر ما این را رعایت کنیم، به نظر من خیلی به سود ماست.^{۹۶}

انتقاد پذیری

البته این را هم بگویم: از انتقاد هم اصلاً عصبانی نشوید. بعضی از انتقادکن‌های از دولت، هدفشان این است که شما را عصبانی کنند، خسته کنند و از جا در ببرند؛ اصلاً انتقاد با این هدف انجام میگیرد. یا عیبجویی‌های بیخود؛ دیده‌اید گاهی یک خبری را تیتراژ میکنند، بزرگ میکنند؛ فردا، پس‌فردایش معلوم میشود اصلاً دروغ است و اصل ندارد! اینها هم کارهایی است که بعضیها انجام میدهند. مطلقاً حالت عصبانیت و بیتابی نباید به شما دست بدهد. بعد هم شما از همان انتقاد - ولو غیرخیرخواهانه باشد - استقبال کنید؛ چون گاهی در انتقادهای خصمانه هم حقایقی وجود دارد که انتقادکننده از روی خیرخواهی نمیگوید، اما انتقادش واقعی است؛ چه برسد آن کسانی که از روی خیرخواهی از شما انتقاد میکنند. اصلاً هیچ نرنجید و از انتقاد استقبال کنید.^{۹۷}

^{۹۲} بیانات در مراسم تنفیذ حکم دهمین دوره ریاست جمهوری ۱۳۸۸/۵/۱۲

^{۹۳} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۰۶/۰۶/۱۳۸۵

^{۹۴} بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۹/۶/۸

^{۹۵} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار رئیس‌جمهور و هیأت وزیران ۰۸/۰۶/۱۳۸۴

^{۹۶} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای هیأت دولت ۱۷/۰۷/۱۳۸۴

^{۹۷} بیانات معظم له در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت به مناسبت هفته دولت ۰۴/۰۶/۱۳۸۶

۶- دولت و توصیه های اخلاقی

اغتنام شمردن نصیحت علمای دینی

نصیحت علمای دینی را قدر بدانید، مغتنم بشمارید. گاهی علمای دین، بزرگان دین، مراجع حقی، نصایحی میکنند، درباره‌ی مسائلی توصیه‌هایی میکنند؛ این را مغتنم بشمرید؛ اینها را حمل بر محبت و علاقه‌مندی بکنید.^{۹۸}

قدر فرصت خدمت را دانستن

ببینید فرصت خدمت چه زود میگذرد! این برای ما عبرت و درس است؛ از هیچ لحظه‌ای نباید غفلت کرد و هیچ فرصتی را نباید از دست داد. شماها بحمدالله اغلب جوانید و دارای نشاط و نیروی جوانی هستید. از این فرصت حداکثر استفاده را بکنید؛ قوای جوانی، حوصله‌ی جوانی، روح ابتکار و روح جسارت و بلندپروازی که در جوان هست را در خدمت این اهداف عالی قرار بدهید و خسته نشوید.^{۹۹}

تلاوت قرآن و تدبر در آن

عزیزان من! کسانی که پیشان لغزید، خیلی از مواردش را که ما دیدیم، ناشی بود از عدم تعمق در امر دین و معارف اسلامی؛ شعائری بود، شعارهایی بود، احساساتی بود، بر زبانشان بود، اما در دلشان عمق نداشت.^{۱۰۰}

ارتباط با خدا داشتن و توکل به خدا داشتن

کار را برای خدا بکنید. نه اینکه چون مردم دوست دارند، این کار را بکنید؛ نه. اگر هدف این شد که دل مردم را به دست بیاوریم، ناکام خواهیم ماند.^{۱۰۱}

خودمان را مصون از انحراف نبینیم

نکته‌ی اول این که گمان مصونیت از انحراف را مطلقاً در خودمان نباید راه بدهیم؛ یعنی هیچ‌کس نباید بگوید وضع ما که روشن است و مثلاً در خط صحیح و در خط دین و خدا داریم حرکت میکنیم و منحرف نمیشویم؛ نه، چنین چیزی نیست. امکان لغزش و انحراف از خط مستقیم برای همه هست و همه هم وسیله‌ی اجتناب از این انحراف را دارند؛ یعنی این‌طور نیست که یک سرنوشت قطعی و حتمی وجود داشته باشد تا ما بگوییم هر کس در این راه حرکت میکند، ناگزیر باید لغزش پیدا کند؛ نه، انسان میتواند بدون لغزش و انحراف راه را ادامه دهد. اما مصونیت از انحراف هم تضمینی نیست که انسان بگوید ما که دیگر منحرف نمیشویم؛ بنابراین خاطر جمع سر را روی بالش نرمی بگذارد و از حال خودش غافل شود. هیچ‌کدام از این دو طرف قضیه نباید مورد بیتوجهی قرار بگیرد.^{۱۰۲}

احساس مسئولیت در برابر خدا داشتن.^{۱۰۳}

تطبیق رفتارها و برخوردها با معیارهای اسلامی^{۱۰۴}

^{۹۸} بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۸/۶/۱۸

^{۹۹} بیانات معظم له در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت به مناسبت هفته دولت ۱۳۸۶/۰۶/۰۴

^{۱۰۰} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای هیأت دولت ۱۳۸۴/۰۷/۱۷

^{۱۰۱} بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت ۱۳۹۰/۰۶/۱۳

^{۱۰۲} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای هیأت دولت ۱۳۸۴/۰۷/۱۷

^{۱۰۳} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای هیأت دولت ۱۳۸۴/۰۷/۱۷

^{۱۰۴} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار رئیس جمهور و هیأت وزیران ۱۳۸۴/۰۶/۰۸

۷- دولت و دانش و نخبگان

توجه به کارهای کارشناسی

کارشناسان صادق و خوب در دستگاهها و مجموعه‌ی ظرفیت عظیم انسانی کشور هستند؛ حتماً از نظر کارشناسی این افراد صادق و مؤمن استفاده کنید. کار بدون کارشناسی نباید انجام بگیرد.^{۱۰۵}

من حرفهایی را که مخالفان شما و منتقدان باانصاف و بیانصاف شما در زمینه‌ی کارشناسی نشده بودن کارهای دولت ذکر میکنند، هیچ جدی نمیگیرم و آنها ملاک قضاوت من نیست؛ چون میبینم که یک جاهائی کارهای کارشناسی بسیار خوبی هم انجام میگیرد؛ اما میخواهم تأکید کنم بر این که کار کارشناسی را حقیقتاً جدی بگیرید؛ بخصوص در کارهای مبنایی و بنیانی، مثل مسأله‌ی برنامه‌ریزی و بودجه‌نویسی، یا مسأله‌ی شوراها و امثال اینها؛^{۱۰۶}

...من توصیه نمیکنم همه‌ی آن فرمولها و شیوه‌های اقتصادی را که امروز اقتصاد بین‌المللی دارد به کشورها دیکته میکنند، شما از آنها پیروی کنید؛ نه، اینکه درست عکس نظر ماست. نه، دنبال راه‌های درست باشید، اما از نظرات کارشناسی علمی و دقیق حتماً باید پیروی بشود؛ بخصوص در مسائل پولی و بانکی. هیچ نمیشود بی‌احتیاطی کرد، یعنی اینها چیزهای بسیار ظریفی است. ناگهان یک اقدام نابجا و سنجدیده، شما می‌بینید که دره‌ی هولناکی درست میکند که تا بخواهیم آن را برکنیم و درست کنیم، مبالغی باید هزینه کنیم و زمان از دست بدهیم. به این نکته خیلی توجه داشته باشید^{۱۰۷}

استفاده از روش‌ها و شیوه‌های علمی در مسایل کشور^{۱۰۸}

گسترش علم و دانش و فناوری

گسترش آزاداندیشی هم مهم است. واقعاً انسانها باید بتوانند در یک فضای آزاد فکر کنند. آزادی بیان تابعی از آزادی فکر است. وقتی آزادی فکر بود، به‌طور طبیعی آزادی بیان هم هست. عمده، آزادی فکر است که انسانها بتوانند آزاد بیندیشند. در غیر فضای آزاد فکری، امکان رشد وجود ندارد. برای فکر، برای علم، برای میدان‌های عظیم پیشرفت بشری اصلاً جایی وجود نخواهد داشت^{۱۰۹}

توجه به بودجه تحقیقاتی علم و فناوری^{۱۱۰}

تعامل با نخبگان

نکته‌ی بعدی، تعامل با نخبگان همفکر و بااخلاص است. آقای رئیس‌جمهور اشاره کردند در سرتاسر کشور نخبگان زیادی هستند - در تهران هم خیلی هستند، در جاهای دیگر هم هستند - باید با اینها تعامل کنیم. البته نشست و برخاست با نخبگان در سفرها خوب است؛ لیکن این کافی نیست، بیش از این لازم است. کسانی هستند که با شما همدلند و از جنس شمایند و حقیقتاً هم نخبه‌ی فکری و دارای نظر صائب هستند^{۱۱۱}

^{۱۰۵} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۰۶/۰۶/۱۳۸۵

^{۱۰۶} بیانات معظم له در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت به مناسبت هفته دولت ۰۴/۰۶/۱۳۸۶

^{۱۰۷} بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۸/۶/۱۸

^{۱۰۸} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری دکتر محمود احمدینژاد ۱۲/۰۵/۱۳۸۴

^{۱۰۹} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار رئیس‌جمهور و هیأت وزیران ۰۸/۰۶/۱۳۸۴

^{۱۱۰} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۰۶/۰۶/۱۳۸۵

^{۱۱۱} بیانات معظم له در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت به مناسبت هفته دولت ۰۴/۰۶/۱۳۸۶

خود را بدهکار مردم دانستن

یعنی همیشه در قضاوت‌های خودت مردم را حاکم و طلبگار و محقِ بدان و خودت را بدهکار. البته این معنایش این نیست که در موردی هم که ظلم بخصوصی به تو دارد میشود، باز بگویی حق با من نیست؛ نه، این نگاهِ عمومی است.^{۱۱۲}

دنبال رضایت عامه مردم بودن

میفرماید: «فان سخط العامة يجحف برضى الخاصة»؛ ملاک و مناط و معیار و میزان کار، رضایت و عدم رضایت عامه‌ی مردم است. چرا؟ چون اگر عامه‌ی مردم نارضایی داشته باشند، رضایت و خشنودی گروه‌های خاص از تو بکلی پامال میشود و از بین میرود. ای بسا جماعتی به اسم روشنفکر و نخبگان سیاسی، طرفدار حکومت و حاکمی هستند، اما عامه‌ی مردم ناراضیاند؛ این نارضایی عمومی مردم، خشنودی و رضایت آن جماعت ویژه را لگدمال میکند و از بین میبرد؛ کمالین که دیدیم همین کار را کردند. عکس این هم صادق است؛ «و ان سخط الخاصة یغترف مع رضى العامة»؛ اما اگر مردم را راضی کردی و رضایت عمومی را به دست آوردی، سخط و ناخشنودی گروه‌های خاص قابل بخشش است؛ یعنی خیلی اهمیتی ندارد و خیلی تأثیری نمیگذارد؛ بنابراین بروید سراغ راضی کردن عموم مردم. آن وقت حضرت نگاه حکیمانه‌ی بی دارد. ما هم در همین مدت‌هایی که دستمان توی کار بوده، این را واقعاً دیدیم، لمس کردیم. «و لیس احد من الرعیة اقل على الوالی مؤونة فی الرخاء، و اقل معونة له فی البلاء، و اکره للانصاف، و اسأل بالاحلاف، و اقل شکوا عند الاعطاء، و ابطا عذرا عند المنع، و اضعف صبورا عند ملومات الدهر من اهل الخاصة»؛ گروه‌های خاص در همه‌جا مایه‌ی اذیتند؛ اولاً در وقت رخاء و آسایش و فراوانی، مؤونه‌شان بر والی از همه بیشتر است؛ توقعاتشان زیاد است؛ فلان چیز را به ما بدهید، فلان امکان را به ما بدهید^{۱۱۳}

خلف وعده نکردن.^{۱۱۴}

منت گذاشتن بر مردم^{۱۱۵}

صداقت داشتن با مردم در مورد کارهای انجام نشدنی

من در یک مورد خاصی به آقای رئیس‌جمهور گفتم این مورد را به مردم بگویند نمیشود؛ حتی اگر پیش از شما هم وعده‌ای داده شده و حالا شما میبینید عملی نیست، به مردم بگویند آقا عملی نیست. مردم هم میپذیرند.^{۱۱۶}

توجه به مصوبات استانی و پیگیری آن‌ها^{۱۱۷}

غنیمت دانستن فرصت برای خدمت

از الان به فکر باشید و یک روز را هم غنیمت بشمارید؛ یعنی یک روز هم نباید هدر برود. این طور نباشد که بگوییم چهار سال وقت هست؛ ان شاء الله سر فرصت به کار میرسیم؛ نه، از همین روز اول و ساعت اول باید کار را به طور جدی شروع کنید. چون میدانم نیت‌هایتان خوب و خدایی است و برای خدمت وارد این مقوله شده‌اید، مطمئنم که اگر ان شاء الله همین نیت را برای خودتان حفظ کنید، خدای متعال کمک خواهد کرد. البته بدانید حفظ نعمت بمراتب مشکل‌تر از کسب نعمت است^{۱۱۸}

^{۱۱۲} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای هیأت دولت ۱۷/۰۷/۱۳۸۴

^{۱۱۳} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای هیأت دولت ۱۷/۰۷/۱۳۸۴

^{۱۱۴} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای هیأت دولت ۱۷/۰۷/۱۳۸۴

^{۱۱۵} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای هیأت دولت ۱۷/۰۷/۱۳۸۴

^{۱۱۶} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۰۶/۰۶/۱۳۸۵

^{۱۱۷} دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت ۰۲/۰۶/۱۳۸۷

^{۱۱۸} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار رئیس‌جمهور و هیأت وزیران ۰۸/۰۶/۱۳۸۴

محسوس کردن خدمت رسانی

...واقعی گاهی اوقات دولتها سرمایه‌گذاریهایی کردند که خیلی هم کلان نبوده؛ اما اثرش را مردم در مقابل چشمشان دیدند. گاهی هم چند برابر آن سرمایه‌گذاری میکنیم و این‌جا و آن‌جا هم گفته میشود فلان‌جا سرمایه‌گذاری شد یا از صندوق ذخیره‌ی ارزی فلان مبلغ برداشت شد؛ اما هیچ اثری در زندگی مردم مشاهده نمیشود. سعی کنید خدمت‌رسانی شما مابازا داشته باشد؛ یعنی واقعاً در همه‌ی بخش‌ها و در همه‌ی وزارتخانه‌ها تحول در خدمت‌رسانی به‌وجود بیاید.^{۱۱۹}

توجه به ساده زیستی

نکته‌ی بعد، توجه به ساده‌زیستی است. یکی از شعارهای خوب آقای احمدینژاد مسأله‌ی ساده‌زیستی است. این شعار، شعار بسیار مهمی است؛ این را نباید دست‌کم گرفت. یک وقت هست که ما در زندگی شخصی خود مثلاً حرکت اشراف‌گونه‌یی داریم بین خودمان و خدا؛ که اگر حرام باشد، حرام است؛ اگر مکروه باشد، مکروه است؛ اگر مباح باشد، مباح است؛ اما یک وقت هست که ما جلوی چشم مردم یک مانور اشرافیگری میدهیم؛ این دیگر مباح و مکروه ندارد؛ همه‌اش حرام است؛ به‌خاطر این‌که تعلیم‌دهنده‌ی اشرافیگری است به: اولاً زبردست‌های خودمان، ثانیاً آحاد مردم به این کار تشویق میشوند. ما نباید مردم را به این کار تشویق کنیم. ممکن است در داخل جامعه کسانی پولدار باشند و ریخت و پاش کنند - البته این کار بدی است، ولی به خودشان مربوط است - اما ریخت و پاش ما اولاً از جیبمان نیست، از بیت‌المال است؛ ثانیاً ریخت و پاش ما مشوق ریخت و پاش دیگران است. واقعاً «النَّاسُ عَلَى دِينِ مُلُوكِهِمْ». ملوک در این‌جا به معنی پادشاهان نیست که بگوییم ما پادشاه نداریم؛ نه، ملوک شماها هستید؛^{۱۲۰}

^{۱۱۹} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار رئیس‌جمهور و هیأت وزیران ۰۸/۰۶/۱۳۸۴

^{۱۲۰} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار رئیس‌جمهور و هیأت وزیران ۰۸/۰۶/۱۳۸۴

د) نکات منفی و سلبی

غلیظ کردن ادبیات دینی بدون تناسب داشتن با رفتار

یکی از آفتهایش این است که ما ادبیات دینی را غلیظ کنیم؛ بدون این که مابازایی در عمل داشته باشد. این ما راه هم به ریاکاری میکشاند و هم ریاکاری را در بین مردم تشویق میکند. این که ادبیات دینی تقویت شود، من با آن هیچ مخالفتی ندارم؛ ولی باید مابازا داشته باشد. بیش از آنچه در رفتارمان اسلامی عمل میکنیم، در زبان و اظهار و تظاهراتمان نخواهیم خود را جلوه دهیم. بیشتر اهمیت دادن به فرم تا به محتوا، از آن آفتهاست.^{۱۲۱}

غرور نداشتن

حضرت میفرمایند «و لا تقولن انی مؤمر امر فاطع»؛ این طور نباشد که تو بگویی چون در این کار به من مسؤولیت سپرده شد، من باید دستور بدهم و دیگران از من اطاعت کنند. «لا تقولن» یعنی با تأکید و مبالغه میگوید مبادا چنین فکری بکنی و چنین حرفی بزنی. این روحیه که من این جا چون مسؤولیتی دارم، باید بگویم و دیگران بیچون و چرا حرف من را گوش کنند، «ادغال فی القلب» است؛ دل تو را فاسد میکند. «و منهکة للدين». منهکه، یعنی ضعیف کننده روح دین، دینداری و ایمان انسان. «و تقرب من الغير» این حالت، تغییرات ناخواسته را نزدیک میکند. اعجاب به نفس و غرور و این که در مسؤولیتی که من هستم، کسی نباید روی حرف من حرف بزند، از آن چیزهایی است که تغییر را نزدیک میکند؛ تغییراتی که برای انسان نامطلوب است؛ تغییرات زمانه که آدم نمیخواهد پیش بیاید؛ یعنی مُلک و دولت و اقتدار و توانایی و فرصتهای خدمت را از انسان میگیرد.^{۱۲۲}

دنیا طلب نبودن

یک عامل هم شهوات و دنیاطلبی و امثال اینهاست که کسانی را هم که عمق دارند، منحرف میکند. بسیار کسانی بودند که عمق نداشتند. یکی از راههایی که این عمق را در اعتقادات انسان، در مبانی فکری انسان، در روح انسان، در ایمان انسان ایجاد میکند، انس با قرآن است. بنابراین در زندگی حتماً قرآن با تدبیر را در نظر داشته باشید و نگذارید حذف شود.^{۱۲۳}

سطحی نگری نداشتن در امور فرهنگی

مسئله‌ی فرهنگ و قضایای فرهنگی خیلی مهم است که من حالا چون اهتمام شماها را به مسائل فرهنگ میدانم و بحمدالله احساس میکنم که وزرای فرهنگی ما اهتمام دارند، روی آن تکیه نمیکنم؛ و الاً من سالهای گذشته در دیدارهای با دولت‌ها، یکی از آن بخشهایی که بیشترین تکیه را روی آن میکردم، مسئله‌ی فرهنگ بود.^{۱۲۴}

رفع مظلومیت از حوزه فرهنگ

...الان در گزارش آقای رئیس جمهور، اصلاً اسمی از فرهنگ نیامد؛ یا در اولویت بندیها این اولویت فدای اولویتهای دیگر شد و آنها تقدم پیدا کرد که در کوتاهی وقت، بیان بشود! این مظلومیت است دیگر. واقعاً مسأله‌ی فرهنگ را دست کم نگیرید. خیلی از مشکلات جامعه‌ی ما با فرهنگ سازی حل میشود. توجه بکنید که امروز، عمده قوای دشمنان ما در جبهه‌ی فرهنگی دارد کار میکند. این جنگهای روانی، این فعالیتهای فرهنگی، این بودجه‌های پنهان و آشکاری که برای منحرف کردن ذهنها میگذارند، همه‌اش مربوط به مسئله‌ی فرهنگ است.^{۱۲۵}

دقت در جذب و صرف بودجه های فرهنگی

توقعات مردم را بالا نگه ندارید با وعده های بدون ضمانت اجرایی

همان طور که عرض کردم، شما دولتی هستید مردمی؛ یعنی مردم وقتی حرف شما و صدای شما را میشنوند، کأنه از جنس خودشان یک حرفی میشنوند؛ چون از موضع بالا و متکبرانه با مردم حرف نمیزنید؛ خب، طبعاً توقعاتشان زیاد میشود. پس این خوب است؛ اما توقعات را هم زیاد میکند. اگر چنانچه یک جایی بر خلاف

^{۱۲۱} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار رئیس جمهور و هیأت وزیران ۰۸/۰۶/۱۳۸۴

^{۱۲۲} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای هیأت دولت ۱۷/۰۷/۱۳۸۴

^{۱۲۳} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای هیأت دولت ۱۷/۰۷/۱۳۸۴

^{۱۲۴} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت ۰۶/۰۶/۱۳۸۵

^{۱۲۵} بیانات معظم له در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت به مناسبت هفته دولت ۰۴/۰۶/۱۳۸۶

^{۱۲۶} بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۹/۶/۸

این توقعات رفتار شد، در ایمان و اعتقاد مردم اختلال به وجود می‌آید و این جایز نیست؛ نباید بگذارید چنین اتفاقی بیفتد. آنچه که وعده می‌دهید انجام بگیرد. اگر نمیشود، همان وعده‌ای که داده‌اید، صاف بیائید به مردم بگوئید نمیشود.^{۱۲۷}

بهبان به دست دیگران ندهید

یک توصیه‌ی دیگر این است که بهانه هم دست دیگران ندهید. من میبینم متأسفانه گاهی بهانه‌هایی هم از طرف خود شما داده میشود که این را هم بایستی توجه کنید که بهانه هم دست دیگران ندهید؛ مراقبت کنید؛ حزم کنید. و گفت: «اتقوا من مواضع التهم».

عدم موازی کاری در دولت

در دولت نباید کارهای موازی انجام بگیرد. کار موازی چند عیب دارد: اولاً هزینه‌ی انسانی زیادی بیجا مصرف میشود، ثانیاً هزینه‌ی مالی زیادی مصرف میشود، ثالثاً تناقض در تصمیم‌گیری‌ها به وجود می‌آید - وقتی دو دستگاه مسئول یک کاری هستند، این یک تصمیم میگیرد، آن هم یک تصمیم دیگر میگیرد - و رابعاً از همه بالاتر، مسئولیت لوٹ میشود.^{۱۲۸}

عدم مشورت بانخبگان

...در ملاقاتهای متعددی که من با نخبگان و زیدگان کشور - دانشگاهی، حوزوی - در سطوح مختلف دارم، مکرر از شما مسئولان محترم گله میکنند که اینها در بین ما نمی‌آیند و با ما در این زمینه‌ها صحبت نمیکنند. این اشکال بر شما وارد است. من چند روز پیش هم در دیدار اساتید دانشگاه همین را مطرح کردم. آنها بارها به من گفتند، در آن جلسه هم گفتند؛ من هم مطرح کردم^{۱۲۹}.

واردات بی رویه

...در زمینه‌ی سیاستهای واردات، یک بازنگری جدی بکنید؛ بخصوص در کالاهائی که ما مزیت تولیدی داریم؛ چه صنعتی، چه کشاورزی. از نگاه بخشی به واردات - که حالا هر بخش دولتی طبق نیازهای خودش دنبال واردات برود - حتماً پرهیز شود^{۱۳۰}.

دچار حاشیه سازی نشوید^{۱۳۱}

کنترل نقدینگی بازار

خب، عوامل نقدینگی هم زیاد است. همین یارانه‌های نقدی که داده میشود - که برای قشرهایی کار مفیدی هم بوده - خودش افزایش نقدینگی ایجاد میکند. همین کارهای عمرانی‌ای که شما میکنید - که اینها دیربازده است - اینها بلاشک افزایش نقدینگی ایجاد میکند. همین مسئله‌ی مسکن مهر که صحبت شد، یا همین طرحهای نیمه‌تمام را که افزایش میدهند، این کاری که در دولت دارند میکنند - که کار خوبی هم هست و لازم هم هست - خود اینها ایجاد افزایش نقدینگی میکند. برای این مسئله باید راهکار پیدا کنید. شما افراد صاحب علمی هستید، صاحب تجربه هستید، دستتان در کار است؛ برای اینها راه پیدا کنید. این نقدینگی افزایش یافته را هدایت کنید به سمت مراکزی که کمک کند به گشایش کار مردم؛ مثل تولید^{۱۳۲}.

عدم تحقق وعده‌ها به مردم

اگر خدای نکرده طوری بشود که نتوانیم آنچه را که مردم درباره‌ی مجموعه‌مان تصور میکنند، آن را تحقق ببخشیم، خسارت بزرگ خواهد بود و به این جریان و جهت‌گیری حتماً ضربه وارد خواهد آمد. آن وقت امیرالمؤمنین فرمود: «و لقل ما شیء ادبر ثم اقبل»؛ موجی که برگشت و رفت، دیگر خیلی آسان این طرف نمیباید و برنمیگردد. خون دلها باید خورد و زحمتها باید کشید تا اینکه باز برای اقبال و توجهی که امروز وجود دارد، زمینه فراهم شود. این را نباید از دست داد.^{۱۳۳}

^{۱۲۷} دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۷/۰۶/۰۲

^{۱۲۸} بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۹/۰۶/۱۸

^{۱۲۹} بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت ۱۳۹۰/۰۶/۰۶

^{۱۳۰} بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت ۱۳۹۰/۰۶/۰۶

^{۱۳۱} بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت ۱۳۹۰/۰۶/۰۶

^{۱۳۲} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۹۱/۰۶/۰۶

^{۱۳۳} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۵/۰۶/۰۶

